

بحران در ترکیه

انتخابات مجلس ترکیه در روز ۲۸ مهرا سال برگزار شد و در نتیجه این انتخابات که ۴۵۰ نماینده را روانه مجلس ترکیه کرد، حزب حاکم "مام وطن" که بمدت ۸ سال حکومت را در ترکیه در دست داشت شکست خورد و حزب "راه راست" به رهبری سلیمان دمیرل با اکثریت نسبی نزدیک به ۲۸ درصد آرا و کسب ۱۸۴ کرسی مجلس پیروز شد. گرچه حزب سلیمان دمیرل با این اکثریت نمیتواند به تنهایی دولت را تشکیل دهد، اما پیش بینی می شود که در ائتلاف با حزب سوسیال دمکرات خلق به رهبری ایلونو که حدود ۱۲ درصد آرا و ۸۷ کرسی مجلس را کسب کرده است، دولت آینده ترکیه را تشکیل دهند. همین ترتیب حزب "مام وطن" به رهبری تورگوت اوزال که بخصوص طی یکسال گذشته بشدت زیر فشار قرار داشت، باید دولت را تحویل حزب "راه راست" دهد. پس از شکست حزب "مام وطن" در انتخابات اخیر ترکیه، سمودیلماز نخست وزیر ترکیه استعفا داد. سلیمان دمیرل اعلام نمود که برای خارج نمودن کشور از بحران باید انتخابات رئیس جمهوری زودتر از موعد مقرر برگزار شود و بدین در صفحه ۲

اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت

شورای ملی مقاومت ایران در اجلاس اخیر خود که در روز ۲۲-۲۳-۲۴ و ۲۷ مهرا ماه ۱۳۷۰ برگزار شد پس از استماع گزارش مسئول شورای به بحث و تبادل نظر در باره ی تحول اوضاع منطقه ای و بین المللی پرداخت. در اجلاس ۴ روزه ی شورا امور جاری و دیگر مسائل و موضوعات در دستور نیز مورد بحث و رسیدگی قرار گرفت.

الف - در مورد تحولات داخل کشور شورا به نتیجه گیریهای زیر رسید:

۱ - حرکت های اعتراضی مردم در سراسر کشور، که نتیجه ی مستقیم وخیرتر شدن وضع زندگی آنها و ناتوانی کامل رژیم در حل ابتدایی ترین مسائل جامعه است، طی ماههای اخیر گسترش بی سابقه ای یافته و تضاد بین مردم و نظامی رژیم خمینی راه مرحله ی جدید و تعیین کننده ای وارد کرده است. این جنبش های اعتراضی که از یک سو کارگران، کارمندان، دانشجویان، معلمان و فرهنگیان و دیگر لایه های زحمتکش و ستمدیده ی اجتماع را دربر گرفته و از سوی دیگر دامنه ی آن به شهرها و مراکز جمعیتی در صفحه ۱۱

استیصال رژیم در مقابله با بحرانه

رژیم خمینی و در رأس آن آخوند رفسنجانی و آخوند خامنه ای گرفتار در انبوه مشکلات لاینحل سرعست سزایب سقوط و افحلال رومی میمانند. ناراضیاتی و تظاهرات ضد رژیم در سراسر ایران بصورت گسترده و فعال ادامه دارد. طرحهای رژیم پوسیده در مقابله با حرکات اعتراضی مردم شمر بخش نبوده و روز بروز به انبوه ناراضیان از هر قشر و طبقه ای افزوده می شود. ناراضیاتی فراگیر می رود تا طومار رژیم حاکم بر مپنمان را در هم بپیچد. کلیه حرکات سیاسی خارجی دولت رفسنجانی که بادیورگی به آستان "اهر قدرت هلسا" خواهان فرصتی و فضا یی برای "معتدل" شدن هستند، در مقابل اعمال دیگر رژیم که گوشه ای از آن ترورهای سیاسی در خارج کشور است به موانع جدی برخورد کرده و حتی دست دولت هائی را که می خواهند بخاطر منافع مادی خود به رفسنجانی خاش کمک نمایند از پشت و با هزار ریسمان بسته است. اقدامات رژیم در زمینه ترور ناراضیان خارج از مرز یکی از نیازهای بالفعل رژیم به تغذیه نیروهای مزدور و نشان دادن "قدرت قدرتی" رژیم پوشالی خمینی است. اگرچه دولت هائی در خارج از کشور هستند که با نرمش نشان دادن در مقابل این اعمال رژیم به گسترش دامنه این ترورها کمک می کنند ولی در مواردی از قبیل ترورهای اخیر در کشور فرانسه و با بدام افتادن بعضی در صفحه ۱۲

مصاحبه با رفیق مهدی سامع
در باره تحولات اخیر در کشورهای سوسیالیستی
در صفحه ۵

کنفرانس بین المللی صلح برای خاور میانه

سراجم روز ۸ آبان (۳۰ اکتبر ۹۱) پس از ماهها تلاش آمریکا و دولتها و جریانات ذینفع، کنفرانس بین المللی صلح برای خاور میانه در مادرید برگزار شد. جیمز بیکر قبل از تشکیل این کنفرانس، هشت بار به خاور میانه سفر نمود و با اسرائیل، اعراب و هیئت های نمایندگی فلسطینی ملاقات و مذاکره نمود. در این کنفرانس علاوه بر آمریکا و شوروی که ریاست آنها را بعهده داشتند لبنان، سوریه، مصر، اردن، فلسطین و اسرائیل شرکت دادند. نمایندگان از جانب دیگر کشورهای عربی و نیز کشورهای اروپایی بعنوان ناظر شرکت داشتند. فلسطینی ها در بیستمین اجلاس شورای ملی فلسطین که در اول مهرا سال در الجزایر گشایش یافت، پس از یک سلسله بحث های طولانی به این نتیجه رسیدند که در کنفرانس در یک هیئت مشترک اردنی - در صفحه ۴

سوسیالیسم از دو زاویه کهنه و نو
در صفحه ۵

در این شماره

- چند اظهار نظر در رابطه با کردستان عراق
- قرارداد امنیتی بین آمریکا و کویت
- توافقنامه السالوادور
- چهل و ششمین اجلاس سازمان ملل متحد
- انتصاب روسای سازمانهای امنیت داخلی شوروی
- بحران در تاجیکستان شوروی
- قرارداد صلح کامبوج
- انتخابات پارلمانی در لیبستان
- ترجمه مطلبی از روزنامه فیکار و در زمینه رابطه دولت فرانسه و رژیم خمینی
- نامه ۵۸ سناتور آمریکایی به جیمز بیکر در رابطه با رژیم آخوندی
- مذاکرات صلح در افغانستان

هفتاد و چهارمین سالگرد انقلاب اکتبر

انقلاب اکتبر هفتاد و چهار سال پیش در کشور پهنای روسیه به رهبری لنین و با هدف برابری، عدالت اجتماعی و از بین بردن ظلم و ستم بوقوع پیوست و از همان ابتدا تغییرات شگرفی را در عرصه جهانی باعث گردید. دستاوردها و ارزشهای پدید آمده در این انقلاب در موقع خود بسیار اول و غیر قابل انکار بود. آرمانهای این انقلاب همچنان پایربجا و جاویدان خواهند بود. ماسخن گرامیداشت یاد و خاطره جانبازان این انقلاب و با احترام به ارزشهای نرونی آن و همچنین اعتقاد به آرمانهای عدالت خواهانه این انقلاب سالگرد آنرا گرامی می داریم.

رژیم تروریستی و قحط آخوندی
در صفحه ۱۱

مبارزه برای آزادی

در صفحه ۱۵

گزارشی از السالوادور (قسمت آخر)

در صفحه ۹

بحران در ترکیه

از صفحه ۱

ترتیب موقعیت تورکوت اوزال نیز لرزان است. اکنون در مقابل دستگاه حاکمه جدید واحزاب موجود در پارلمان ترکیه وبخصوص حزب سلیمان دمیرال مسائل انباشته شده طی چندین سال گذشته قرار گرفته است. ترکیه در یک بحران اجتماعی، بسر میبرد که حزب اوزال طی بخصوص یکی دو سال گذشته با اتخاذ سیاست های ضد مردمی اش آنرا بشدت تشدید کرده است.

ترکیه یکی از کشورهای خاورمیانه است که از بحران خلیج فارس و رویدادهای مربوط به کویت بطور مستقیم و غیر مستقیم تاثیر پذیرفت ومنجربه تشدید بحران های داخلی اش شد بطوریکه دستگاه حاکمه در ترکیه ابتدا مجبور به تغییر دولت و سپس مجبوره پذیرش انتخابات در ترکیه قبل از موعد مقرر گردید. سلیمان دمیرال رهبر حزب "راه راست" در مصاحبه با روزنامه ترکی مباح در ۱۲ شهریور امسال اعلام نمود که "اوزال از فردای ۲۰ اکتبر -

روز انتخابات ترکیه، کاخ ریاست جمهوری را ترک خواهد کرد. این موضوع را اوزال هم میداند و به این خاطر همواره در کاخ بوس بسر میبرد. البته شاید هم زودتر از این تاریخ کناره گیری بکند. اینکه هر چه به عقلش میرسد، میگوید، ناشی از هذیان است. من میگویم که حزب مام وطن از بین خواهد رفت و از این حزب اثری باقی نخواهد ماند." جدال سیاسی بین احزاب سیاسی که فعالیت علنی دارند وتشدید تضاد در مرون دولت، از یک طرف و از طرف دیگر تشدید مبارزه انقلابی بخصوص در کردستان ترکیه، ترکیه را در یکی از بحرانی ترین

نقاط تاریخ خود طی دهه اخیر قرار داده است. دولت ترکیه با قرار گرفتن در جبهه متحدین در جنگ علیه عراق وستن خط لوله نفتی عراق وشرکت در محاصره اقتصادی عراق، ضررهای زیادی دید که متحدین وبخصوص امریکا، آنرا بحتوی که بتواند نیازهای رژیم ترکیه را برآورد، کند، جبران نکردند. ترکیه ۵۵ میلیون نفر جمعیت دارد که بیش از ۱۴ میلیون این جمعیت گرد هستند. دولت ترکیه طی سالهای اخیر بایک سلسله اقدامات رفرمیستی سطحی، کوشید تا به بازار مشترک اروپا راه یابد. اما مساله حقوق بشر در ترکیه وبخصوص رفتار سرکوبگرانه دولت ترکیه با کردهای این کشور، مساله ایست که مانع ورود

ترکیه به بازار مشترک می شود. اقتصاد ترکیه که شدیداً وابسته به ترانزیت کالا به ایران وعراق است، در جریان جنگ خلیج فارس بشدت آسیب دید. همچنین این بحران سبب فعال شدن جنبش مسلحانه در کردستان ترکیه و حمایت گسترده مردمی از این جنبش گردید. سیاست یک بام ودو هوای غرب وبخصوص امریکا در قبال کردها که از یک طرف از کردهای عراق حمایت میکند و از طرف دیگر از رژیم ترکیه در سرکوب کردهای این کشور حمایت مینماید سبب روشن شدن هر چه بیشتر سیاست های غرب در خاور -

میانه شده است. نگاهی به رویدادهای اخیر ترکیه وتوجه به ارتباط بین این رویدادها با اظهار نظر جریان های مختلف، اوضاع را هر چه بیشتر روشن مینماید. آزاواشل تابستان امسال، درگیری میان نیروهای "حزب کارگران کردستان" با ارتش ترکیه در جنوب این کشور ششصد میگرد. رژیم ترکیه برای ایجاد هراس در بین مردم یکی از رهبران سیاسی کرد بنام "وداد آیدین" را در تاریخ ۹ تیر ماه امسال میرباید. چند اویس از ۴ روز پیدا می شود پس از این اقدام سرکوبگرانه، در تاریخ ۱۹ تیر تظاهرات

گسترده در دیار بکر (بزرگترین شهر در کردستان ترکیه) برگزار می شود که در آن ۳۰ هزار نفر شرکت میکنند. در این تظاهرات که انعکاس وسیع جهانی یافت، عکس های "عبدالله اوکلان" رهبر حزب کارگران ترکیه، توسط تظاهرکنندگان حمل می شود. همزمان با این رویدادها در استانبول وانکارا، نیروهای امنیتی ترکیه به خانه های مخفی جریان "چپ انقلابی" حمله وتعدادی از مبارزین این جریان را بشهادت رسانند. خبرگزاری ها در اواخر

تیرماه از درگیری میان ارتش ترکیه و چریکهای کرد در بخش شرقی وجنوبی ترکیه و در نزدیکی شهر جالسوران در ایالت وان، خبرهای متعددی پخش نمودند. رژیم ترکیه در تعقیب نیروهای وابسته به "حزب کارگران ترکیه" در تاریخ ۱۲ مرداد امسال وارد خاک عراق شده و ۲۰ کیلومتر در شمال عراق پیشروی می کند. این عملیات که ضمناً با بمباران هوایی مناطق شمال عراق همراه است، ابعداد جدیدی از سرکوب وتجاوز به حقوق بین المللی را از جانب رژیم ترکیه بنمایش میگذارد. نخست وزیر ترکیه در تاریخ

۱۴ مرداد امسال به خبرگزاری رویتر میگوید: "ترکیه برای دستگیری کردهای جدایی طلب که روز قبل در سرباز راگشتند، در هر کجا آنها را تعقیب خواهد کرد. یلماز در جواب به یک سوال که آیا ترکیه برای تعقیب کردها به آنسوی مرز در داخل خاک عراق نیرو خواهد فرستاد؟ گفت هر کاری که انجام آن لازم باشد انجام خواهد داد. "نیرو - های امریکایی که در شمال عراق مستقر بودند برای اینکه در رابطه با این رویداد سهم، خود را اکترا بکنند، اعلام

میدارند که این عملیات در "منطقه امن" که توسط نیرو - های متحدین مراقبت می شود، انجام نگرفته است. رادیو امریکا در تاریخ ۹ مرداد امسال در برنامه بخش فارسی خود میگوید: "سخنگوی ریاست جمهوری ترکیه که روز جمعه با جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی کردستان ملاقات کرد گفت، حملات ترکیه ادامه خواهد یافت. اما وی گفت به رهبر کردها اطمینان داده است که ترکیه نمیخواهد به غیر نظامیان صدمه بخورد." همین سخنگو

در تاریخ ۱۲ مرداد به خبرگزاری رویتر گفته بود که جلال طالبانی ومسعود بارزانی از قبل در جریان عملیات در شمال عراق قرار گرفته بودند. عملیات هوایی ترکیه در شمال عراق به تعداد زیادی افراد غیر نظامی آسیب می رسد. رادیو "حزب دمکرات کردستان عراق" البته رهبری مسعود بارزانی (در تاریخ ۱۶ مرداد گزارش زیر را پخش مینماید "هواپیماهای جنگی ترکیه ساعت ۹ صبح

امروز اجتماعی از پناهندگان رادر روستای هیره جویک در منطقه شیروان بالای استان اربیل را بمباران کردند. این عملیات باعث شهید شدن ۲۹ نفر وزخمی شدن ۳۰ نفر ومفقود شدن چندین نفر دیگر شد. همچنین هواپیما های جنگنده ترکیه چند نقطه دیگر مربوط به پناهندگان وآوارگان را در خوارگور در منطقه سیدکان بمباران کردند که آنجا نیز ۱۸ نفر از جمله یک زن وكودک زخمی شدند. این تجاوز ترکیه در هر جا، تحت هر بهانه ای باشد، مناطق مرزی ترکیه وعراق را منشنج وماز احکام ترکیه توتوسف

این بمباران را خواستاریم." اما دولت ترکیه از این سیاست سرکوبگرانه خود که ضمناً مستقیماً به مردم غیر نظامی کردستان عراق آسیب تازه ای وارد میکند دست برنمی دارد. رادیو امریکا در تاریخ ۱۲ مرداد امسال از قول یک سخنگوی دولت ترکیه میگوید که: "جت های جنگنده و نیروهای زمینی ترکیه به ۲۴ اردوگاه حزب کارگران کردستان (پ. ک. ک) در داخل خاک عراق در منطقه ای که

حدود ۱۰ کیلومتر با مرز ترکیه فاصله دارد حمله کرده اند." در تاریخ ۱۸ مرداد امسال رادیو مسکو اعلام میدارد که: "ترکیه با انجام عملیات نظامی علیه کردها در شمال عراق به مرزهای عراق تجاوز کرده است. سخنگوی وزارت امور خارجه شوروی هشدار داده است که راه حل نظامی به بی ثباتی منطقه منجر خواهد شد." در خود عراق نیز با این اقدام ترکیه سبب اعتراض دولت عراق گردید. رادیو عراق در تاریخ ۱۸ مرداد امسال اعلام نمود که "وزارت امور

خارجه عراق بیروز یک یادداشت اعتراضی به وزارت خارجه ترکیه علیه اقدام ارتش ترکیه به نقض قوانین بین المللی وتجاوز به خاک عراق وحاکمیت ملی آن تسلیم نمود." دولت عراق در تاریخ ۱۹ مرداد امسال حملات هوایی دولت ترکیه به کردهای عراق را محکوم نمود. دولت یونان این عملیات نظامی را در تاریخ ۲۰

مرداد امسال محکوم نمود. بجز دولت عراق که مستقیماً حاکمیت آن مورد تجاوز قرار گرفته ودولت های یونان وآلمان که در رابطه با ترکیه تضادهای مشخصی دارند، بقیه دولت های غربی عموماً روی این مساله سکوت قابل توجهی پیش گرفته اند. رژیم خمینی در این رابطه

سیاست مزورانه ای پیش گرفته است. وقتی بعضی از دستگاه های خبری ترکیه وبعضی مسئولین ترکیه از وجود پایگاه های "پ. ک. ک" در منطقه مرزی ایران وترکیه صحبت می کنند، رژیم این امر را تکذیب میکند. وحتمی عملیات حزب کارگران کردستان علیه ارتش ترکیه را محکوم مینماید. روزنامه ترکی یون آیدین در شماره

۲۰ مرداد خود می نویسد که: "ولایتی وزیر امور خارجه ایران کاملاً روشن ومشخص حملات پ. ک. ک را محکوم کرده واز افراد وابسته به نیروهای مسلح ترکیه که در این حملات جان خود را از دست داده اند به عنوان - فرزندان با شرف یک کشور برابر - نام برد." رژیم خمینی که در این

رابطه بطور عملی از حکومت ترکیه حمایت میکند، در رابطه با نیروهای اسلامی در ترکیه همواره در موضع تضاد بادولت ترکیه قرار دارد. این سیاست رژیم در مورد کردهای عراق نیز صادق است. همین معنی که دارودسته رفسنجانی آنجا که پای مساله خود مختاری برای کردهای عراق پیش می آید، بهشت با این امر مخالف وتنها خواستار تغییر حکومت عراق واستقرار حکومت شیعه در عراق می باشد. ترکیه نیز بشدت از به ثمر رسیدن مذاکرات

بین جبهه نیروهای کردستان عراق بادولت عراق وحشت داشته وتلاش میکند که این مذاکرات به ثمر نرسد. به این مساله بارها مسعود بارزانی رهبر حزب دمکرات کردستان عراق ورئیس جبهه کردستان عراق اشاره نموده است. امریکانیز که بارها خواستار تغییر حکومت عراق بوده در رابطه با مساله خود مختاری کردهای عراق، هیچگاه سیاست مثبتی در پیش نگرفته و اخیراً هم اعلام نموده که در این مساله دخالتی نمیکند. اما پیاد است که از طریق دولت ترکیه برای به ثمر رسیدن مذاکرات مربوط به خود مختاری کردستان عراق اقدام مینماید. ضمن اینکه امریکا که صحبت از "حقوق بشر" در عراق میکند، وقتی پای ترکیه و کردهای این کشور در میان باشد، سیاستش کاملاً تغییر کرده واز سرکوب انقلابیون کرد ترکیه حمایت میکند. روزنامه دیلی تلگراف (چاپ انگلیسی) در شماره روز ۱۹ مرداد امسال خود می نویسد: "امریکا بطور آشکار از سرکوب وحشیانه ارتش ترکیه بر چریک - های جدایی طلب کرد در شمال عراق جانبداری میکند. یک

اخبار و رویدادها ...

از صفحه ۱۶

شد مردمی رژیم هرساله تحت عنوان عیدی مبلغ ناچیزی به کارکنان پرداخت می‌کرده که مابه تفاوت آن از سال ۱۳۶۰ تاکنون برای هر نفر ۸۰ هزار تومان می‌شود که باید به کارکنان این شرکت پرداخت می‌گردید.

آخرین وضعیت منطقه باقرآباد

(به نقل از یکی از کارگران شهرداری تهران)

در تاریخ ۲۲ مرداد فرماندهی مزدور نیروهای انتظامی تهران بزرگ به اتفاق نیروهای شهرداری تصمیم به تخریب ساختمانهای باقرآباد می‌گیرند. در این رابطه حدود ۲۵۰۰ نفر از نیروهای نظامی رژیم با اسکانات و تجهیزات کامل انفرادی و تعداد ۱۳۰۰ نفر از پرسنل شهرداری مناطق ۱۹ و ۲۰ تهران با امکانات لازم از قبیل ۲۵ دستگاه لوژر، ۱۴۰ دستگاه کامیون و ۲۰۰ دستگاه وانت از شب قبل در بهشت زهرا مستقر می‌شوند تا صبح روز بعد حمله خود را به پاهندگان و کارگزاران جامعه آغاز کنند که بدلیل ترس و وحشت کارگلیزاران رژیم از عکس العمل مردم و تجربه زهر آلود گذشته از انجام اینکار موقتاً صرف نظر می‌کنند.

جریمه و سانس نقلیه

اداره راهنمایی و رانندگی رژیم در ادامه فشارها و محدودیت های مختلف که برای وسائط نقلیه فراهم کرده است نرخ جریمه اتوبوس ها را از ۵۰۰ ریال به ۵۰۰۰ ریال افزایش داد، اغلب اتوبوس ها که به حمل مسافر مشغول هستند بدلیل کمبود وگرانی قطعات بدکی فاقد شرایط منطبق با استانداردهای اعلام شده می‌باشند و به همین دلیل معمولاً در حین تردد جریمه می‌شوند. افزایش نرخ جریمه باعث شده است که اغلب صاحبان این اتوبوس ها رغبتی به کارشان ندهند. در این رابطه هم عده‌ای از رانندگان کمپرسی نرخ حمل ماسه و سنگ را از ۱۰۰۰ ریال به ۱۵۰۰۰ ریال افزایش داده‌اند.

شایعات منتشره در بین مردم

تهران - در اصفهان بیشتر مردم بخاطر طرفداری از منتظری دست به اعتصاب زده‌اند.

رژیم - شهرداری تهران به دلیل مخالفت با بازاربانان واحداث ساختمان جدید اقدام به آتش سوزی عمدی کرده است.

رژیم - در تهران حکومت نظامی اعلام شده است و علت آن تظاهرات اخیر و آتش سوزی در تهران می‌باشد. تهران - آتش سوزی بازار تهران عمدی بوده و عامل حریق به رفسنجانی تلفن زده و عنوان کرده که اگر استعفا نهد، بازارهای دیگر تهران را هم آتش خواهند زد. - در یکی از دانشگاههای تهران از سوی دانشجویان تظاهراتی علیه برنامه‌های اقتصادی رژیم انجام گرفته که در این رابطه ۶۰ نفر از دانشجویان توسط ساواک رژیم دستگیر شده‌اند.

- در تبریز مردم ۵۰ نفر از پاسداران رژیم را کشته‌اند. بابل - شهردار تهران ترور شده است.

اخبار ایران

جاری شدن سیل در استان های خوزستان، کرمانشاه، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال بختیاری، فارس و بوشهر خسارات جانی و مالی فراوانی برجای گذاشت. رژیم ضد بشری خمینی که هیچگاه چنین بلایای طبیعی مساله او نبوده، اینبار نیز بانانوانی در مقابل این سیل ها نتوانست کاری صورت دهد و ابعاد فاجعه هرچه گسترده‌تر گردید. ما این فاجعه را به هموطنان مناطق آسیب دیده و خانواده‌های داغدار تسلیت می‌گوئیم.

۶ نفر در شهر تربت جام تحت عنوان قاچاقچی، سواد مخدر بدار آویخته شدند. طبق گزارش خبرگزاری فرانسه از زانویه ۸۹ تاکنون تعداد ۱۸۸۴ نفر تحت همین عنوان در ایران اعدام شده‌اند.

تعدادی از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی در کادر تشاهای درون حکومتی رژیم خمینی و اعتراض به انتصاب رئیس جدید دانشگاه دست به راهپیمایی زدند. به گزارش کمیته هوایی نیز بدنبال صدور حکم دادگاه صدها تن از دختران دانشجوی این دانشگاه اخراج شدند.

رئیس نمایشگاه بین المللی کتاب که در شهر فرانکفورت آلمان برقرار شده است اعلام کرد که موسسه انتشارات رژیم خمینی اجازه شرکت در این نمایشگاه بین المللی را ندارد. قبلاً زاین موسسه برای شرکت در این نمایشگاه دعوت شده بود که با فشار تعداد کثیری از بنگاههای انتشارات جهانی و نویسندگان و مترجمان این دعوت لغو شد. نتوانیم تفاوت در رابطه با برقرار بودن حکم ترور سلمان رشدی که توسط دولت ایران دنبال می‌شود، بوده است.

رژیم فاسد خمینی در ادامه ایجاد جو رعب و وحشت و فشار بر مردم جدیداً دست به ایجاد مقرراتی در رابطه با محدودیت مراسم عروسی در کشور زده است. مراسم عروسی یکی از روزنه‌هایی است که مردم بجان آمده می‌بینان از آن طریق با اتکا به ظرافت های خاص آن مخالفت خود با قوانین ظالمانه اعمال شده توسط رژیم را اعلام می‌کنند. محمدی مزدور رئیس اداره اماکن عمومی تهران در این رابطه در مصاحبه با روزنامه ابرار گفت: کسانی که می‌خواهند ازدواج کنند قبل از مراسم باید تعهد نامه‌ای را مبنی بر رعایت حجاب اسلامی امضاء کنند. و در این رابطه سند مالکیت یک خانه یا اتومبیل را باید به ضمانت بگذارند. مواردی از قبیل حجاب الزامی برای عروس و دیگران در موقع ورود و خروج از هتل و اتومبیل، عدم استفاده از آلات موسیقی و نوارهای کاست، عدم ورود آقایان به اتاق خانمها و بالعکس، و عدم همراهی موتور سیکلت سواران در کاروان مراسم اتومبیلها، از جمله موانعی است که رژیم بر سر راه مردم گذاشته است. مسلماً با کوچکترین تخلف واهی سند مربوطه به نفع غارتگران حاکم به جیب زده خواهد شد.

اخبار مقاومت

اخبار زیر از اطلاعیه‌های سازمان مجاهدین خلق ایران گرفته شده است.

۱- بعد از ظهر روز دوشنبه ۲۵ شهریور، جمعی از هواداران مجاهدین و هموطنان ایرانی بهنگام ورود هیات اعضای رژیم به پارلمان اروپا در شهر استراسبورگ فرانسه با تخم مرغ گندیده و پاشیدن رنگ به سروروی هادی خامنه‌ای و برادر جنایتکار و هربوشالی رژیم خمینی، که سرپرستی این هیات را بر عهده داشت، او را وادار به فرار مقتضانه‌ای بطرف ترورودی شورای اروپا کردند.

۲- در اعتراض به افزایش سرسام آور مالیاتها از طرف رژیم آخوندها، بسیاری از عیوب بزرگ های تهران دست به اعتصاب زدند که بلافاصله کامیونداران و تانکهای سوخت رسانی نیز به همین کار مبارکت و روزی بند بر اساس گزارشات رسیده اوضاع شهرهای تهران، زاهدان، فسا و جهرم نا آرام است و درگیری هایی بین پاسداران و مردم به خشم آمده صورت گرفته است.

۳- بدنبال تظاهرات و اعتصابات گسترده ضد حکومتی در تهران، رژیم آخوندها نیروهای سرکوبگر خود را در مناطق حساس پایتخت مستقر کرده است. طبق گزارشات رسیده پاسداران مسلح در کلیه چهارراهها و میادین شهر موضع گرفته‌اند. بطور مثال تنها در منطقه میدان توپخانه بیش از ۲۰۰ پاسدار و میدان تجریش قریب به ۱۲۰ پاسدار مستقر شده‌اند. بر اساس همین گزارشات بدنبال درگیری های شدید ماه گذشته در محله باقرآباد رژیم خمینی، آن از اهالی این محله را اعدام کرده است. از تیرماه گذشته تا اواسط مهرماه تظاهرات و حرکات اعتراضی مردم در شهرهای مختلف کشور منجمله تهران، اصفهان، شیراز، تبریز، زنجان به ۱۰۰ مورد بالغ شده است.

طی روزهای اواخر مهرماه درگیری های شدیدی میان مردم و پاسداران رژیم خمینی در روستاهای قوجا، قمصر، نعمت آباد و تباوین در حومه تهران بوقوع پیوست. ساعت ۸ صبح روز یکشنبه ۲۸ مهرماه مردم خشمگین قوجا در جنوب تهران برای جلوگیری از تخریب خانه هایشان توسط عوامل رژیم ملاحا، با پاسداران به زد و خورد پرداختند. در پی این درگیری ها تعداد زیادی از مردم دستگیر شدند. در این روز ۵۰ خانه مسکونی مردم این روستا ویران گردید. درگیری های مشابهی در بسیاری از روستاهای دیگر حومه تهران گزارش شده است. شهرداری تهران قصد دارد خانه‌های مردم فقیر در این مناطق را ویران سازد.

گوشه‌هایی از شعارهای مردم بر علیه رژیم

آب مفته، برق مفته غلط کرده هرکی گفته

رهبر ما چلاق است اکبر ما لاغ است

رفسنجانی گوساله این بود طرح ۵ ساله

مردم گدائی می‌کنند آخوند خدائی می‌کنند

عزاعز است امروز، روز عزاست امروز، دلار امریکایی

زیر عیاست امروز

در صفحه ۱۵



در تکتیب و توزیع

آژانس سازمان

بکوشید

بحران در ترکیه

از صفحه ۲

سخنگوی وزارت خارجه روشن ساخت که دولت بوش برای حزب مارکسیستی کارگران کردستان، علیرغم اقدام اخیر امریکا برای دفاع از کردهای عراقی، هیچگونه سمپاتی ندارد. امتناع امریکاحتی از ابراز شروطنی در مورد اقدام نظامی ترکیه، ظاهراً با اخطارهای شدیدش به صدام حسین مرمورد برخورد با کردها غیرقابل انطباق است. وزارت خارجه امریکا اعلام داشت: ما امیدواریم که نیروهای ترکیه هرچه سریع عملیات خود علیه تروریست هار اتمام کرده و از کشته یا مجروح کردن غیرنظامیان بی گناه بپرهیزند.

دولت امریکاکه ظاهراً خود را حافظ قوانین بین المللی می خواند، از این تجاوز رژیم ترکیه به مرزهای عراق، هیچگونه صحبتی نمی کند و حقیقت این است که آن تجاوزاتی که منافع امریکارا تاکنون تامین کرده است، اساساً مورد حمایت دولت امریکا قرار گرفته است. مردم کردستان ترکیه این سیاست مزورانه دولت امریکارایه خوبی نرک می کنند و در مقابل با حمایت از حزب کارگران کردستان (پ. ک. ک.) به مبارزه خود ادامه می دهند. در تاریخ ۲۳ مرداد امسال خبرگزاری اناتولی (خبرگزاری ترکیه) گزارش نمود که "منطقه کورتان واقع در جنوب شرقی ترکیه بیروز صحنه تظاهرات مردم منطقه در اعتراض به عملیات نظامی ارتش ترکیه بود. نیروهای ارتش به منظور متفرق ساختن تظاهرکنندگان اقدام به تیراندازی کرده که در نتیجه آن یک نفر کشته و ۸ نفر دیگر زخمی شدند." روزنامه جمهورییت چاپ ترکیه در شماره ۲۵ مرداد خود می نویسد:

"روز گذشته در بسیاری از استانها و بخش های جنوب شرق کشور بمناسبت هفتمین سالروز بنیانگذاری حزب کارگران کردستان منازعهات تعطیل شدند. در شهرهای دیاربکر، ماردین، سیرت و شیرناک نیروهای امنیتی با استفاده از زور در بسیاری از منازعهها را شکسته و آنها را باز کردند، در شهر آز میر نیز تعدادی از منازعهها به حالت تعطیل در آمدند. در این شهریک تظاهرات غیرقانونی نیز برگزار شد که تعدادی در آن دستگیر شدند. از طرف دیگر در حوالی شیرناک چریکهای حزب کارگران کردستان بانبروهای امنیتی وارد درگیری شدند."

خبرگزاری رویتر در تاریخ ۲۷ مرداد از قول عبدالله اوکلان رهبر پ. ک. ک. اعلام نمود که "متحدین در جنوب شرقی ترکیه هم اکنون از ارتش ترکیه حمایت می کنند." با ادامه دخالت آشکار دولت ترکیه در شمال عراق و سرکوب غیرنظامیان کرد، اعتراضات وسیع تری نسبت به این سیاست صورت می گیرد. بسیاری از احزاب و نیروهای سیاسی در کشورهای اروپایی این اقدامات را محکوم می کنند. دولت عراق بطور مرتب به سازمان ملل علیه دخالت ترکیه در امور داخلی عراق هشدار میدهد. با این حال طی روزهای اول شهریور رژیم ترکیه باز هم به حملات نظامی خود در شمال عراق ادامه می دهد. رادبو کلنر در برنامه روز ۶ شهریور امسال خود می گوید: "طبق گزارش های رسمی بر اثر زود خورد بین نیروهای امنیتی ترکیه و جدایی خواهان ترک در جنوب شرقی ترکیه در دو روز گذشته ۲۷ نفر کشته شدند." در چنین شرایطی است که جلال طالبانی که از یک طرف می خواهد خود را با سیاست های غرب هماهنگ کند و از طرف دیگر نمی تواند در مقابل بمباران مردم بی دفاع شمال عراق توسط هواپیماهای ترکیه سکوت کند، حزب کارگران کردستان

را مورد حمله قرار می دهد و در تاریخ ۷ شهریور امسال اعلام می کند که: "حزب کارگران کردستان طی سه سال گذشته با صدام حسین روابط محرمانه داشته است و سه مدت سه سال از بغداد اسلحه، پول و اطلاعات دریافت کرده است." این سخنان جلال طالبانی که از رادبوی رژیم در تاریخ ۷ شهریور پخش می شود بدین گونه پایان می یابد که "ما هرگز به دلایل نظامی از مرز ترکیه عبور نمی کنیم و حزب کارگران کردستان نیز باید این مقررات را رعایت کند." این موضع جلال طالبانی برای جلب حمایت دولت ترکیه و در حقیقت جلب حمایت امریکا، همواره مورد تاکید وی قرار گرفته و بویژه پس از مسافرت اخیر وی به اروپا و امریکادوباره روی آن تاکید شده است.

در تاریخ ۱۰ آبان خبرگزاری رویتر طی گزارشی از قول جلال طالبانی اعلام می کند که وی نامه ای به سوی عبدالله اوکلان خواهد نوشت و از وی خواهد خواست که با دولت ترکیه "اعلام آتش بس کند و به حل و فصل مناقشات به شیوه مسالمت آمیز بپردازد." طالبانی به خبرگزاری رویتر می گوید: "حملات پ. ک. ک. یک اشتباه بزرگ بود که نشأت گرفته از نزدیک بینی سیاسی رهبری آن می باشد." جلال طالبانی در تاریخ ۱۲ آبان امسال نیز به خبرگزاری رویتر می گوید که حملات نظامی حزب کارگران کردستان در داخل خاک ترکیه و قتلش از منطقه شمال عراق صورت می گیرد، ما مخالف آن هستیم. در مقابل مسعود بارزانی حملات ارتش ترکیه به شمال عراق را شدیداً محکوم و اعلام می دارد که در صورت حمله زمینی ترکیه در مقابل تجاوز آنان ایستادگی خواهد کرد. این اظهار نظرات در شرایطی صورت می گیرد که ارتش رژیم ترکیه در نیمه اول آبان امسال نیز چندین بار از طریق هوا و زمین به کردستان عراق حمله نموده است. اکنون دولت ترکیه که هم با بحران عمیق اقتصادی و سیاسی روبروست، در صدد است تا بهر نحو ممکن نگاهدارد که مذاکرات مربوط به خودمختاری کردهای عراق به نتیجه برسد. رژیم ترکیه می داند که این بمباران ها، ضربه موثری به نیروهای نظامی حزب کارگران کردستان وارد نمی آورد. رژیم ترکیه از این حملات این هدف را تعقیب می کند که شمال رانان امن نموده و به نیروهای کردستان عراق فشار سیاسی وارد نماید.

اکنون دولت جدید ترکیه با مسائل مختلف سیاسی و روبروست. از جنبه اقتصادی باید بحران اقتصادی در ترکیه را بنحوی کاهش دهد. از نظر سیاسی ضمن اینکه دولت جدید میرل خواهد کوشید تا تورگات اوزال را تحت فشار قرار داده و انتخابات ریاست جمهوری را هر چه زودتر برگزار نماید، در ائتلاف با حزب سوسیالیست اینو، نو، بخش های وسیع تری از بورژوازی ترکیه را به پشتیبانی از دولت وادار کند. سیاست ترکیه طی سالهای گذشته برای این اساس قرار داشت که این کشور را وارد بازار مشترک اروپا نماید. ترکیه از یک طرف می خواهد وارد بازار مشترک اروپا شود و از طرف دیگر سیاست های اساسی آن در منطقه منطبق با سیاستهای امریکاست. رژیم ترکیه همچنین از پیشرفت کارهای مربوط به استقلال ارمنستان شوروی و نیز رشد نیروهای وابسته به کلیسای یونان در جمهوری های غیرمسلمان جنوب شوروی شدت نگران است. رژیم ترکیه همچنین در مقابل بنیادگراشی اسلامی که مستقیماً توسط رژیم جمهوری اسلامی حمایت می شود قرار دارد. رژیم ترکیه گرچه در رابطه با مساله کردها، و بعضی دیگر از مسائل

کنفرانس بین المللی صلح برای خاور میانه

از صفحه ۱

فلسطینی شرکت کنند. این تصمیم شورای ملی فلسطین که با مخالفت جنبش اسلامی فلسطین (حماس) و بعضی جریانات کوچک چپ روبرو شد، در اجلاس شورای ملی فلسطین برای مثبت ۱۲ فروروی منفی ۸ تصفرا اتخاذ شده بود. پارلمان اسرائیل روز ۲۰ اکتبر تصمیم گرفت که با شروطنی در این کنفرانس شرکت نماید و بدین ترتیب هر کدام از طرفهای جدال در خاور میانه، با شروطنی و با منافعی و با اتخاذ شیوههای خاص خود، تصمیم گرفتند که در کنفرانس شرکت کنند. در این رابطه بیشترین فشار روی فلسطینی هادر مرحله اول و در مرحله بعد روی اسرائیل بود. فشار روی فلسطینی هابرای پذیرش هیئت مشترک اردنی - فلسطینی از یک طرف و از طرف دیگر عدم شرکت اعضای ساق و افرادی از بیت المقدس در این هیئت بود. فشار بر اسرائیل اساساً متوجه قبصول کنفرانس از طرف اسرائیل بود. امریکا و شوروی همچنین خواستار متوقف شدن اسکان یهودی هادر سرزمین های اشغالی بودند. امری که اسرائیل نه فقط آنرا نپذیرفت بلکه در طول کنفرانس به تحریک کننده ترین شکل مبادرت به ایجاد مناطق یهودی نشین در ارتفاعات جولان و ریزید، با اینحال با سخنرانی گونزالس، نخست وزیر اسپانیا بعنوان میزبان و بعد از آن با سخنرانی بوش و بعد از آن گورباچف آغاز بکار کرد. اسحق شامیر با شرکت در کنفرانس بجای وزیر امور خارجه اسرائیل، عملاً با طرفداران صلح در داخل اسرائیل، فاصله گرفت و بدین ترتیب بر موضع حزب لیکود که خواستار صلح بدون برگرداندن سرزمین های اشغالی هستند، تاکید کرد. این موضع اسرائیل، بخصوص پس از پایان جنگ امریکا و عراق، نمی تواند مورد تأیید حکومت فعلی امریکا باشد. جرج بوش پس از خاتمه جنگ در سخنرانی

در صفحه ۱۴

منطقه ای باز رژیم جمهوری اسلامی همسو وهم نظراست و با توجه به اینکه در یک اشتراك مساعی اقتصادی به همراه ایران و پاکستان (اگو) قرار دارد، اما بخوبی از مطامع رژیم آخوندها در ترکیه و حمایت آنان از بنیادگرا - بان اسلامی اطلاع دارد و بنابراین در رابطه با رژیم خمینی سیاست یک بام و چند هواپیش گرفته است. اما ترکیه نمی تواند مجموعه بحران موجود در کشور را تخفیف دهد. تشادهای موجود در جامعه ترکیه، این کشور را به سمت بحران های حادثتری پیش می برد. تقبیر و تحولات در جمهوری های شوروی و تحولات مربوط به جنگ متحدین با عراق، ترکیه را آسب پذیرتر نموده است. رقابت های انحصارات امپریالیستی که در شکل رقابت بین امریکا و اروپا خود را نشان می دهد این بحران را شدت خواهد داد. و این در حالی است که رژیم ترکیه هر چه بیشتر وابسته به سیاست های امریکا در خاور میانه می شود. اروپایی هابرساله حقوق بشر و اندازه های بر سرمایه کردها بر رژیم ترکیه فشار وارد می کنند. در این میان مردم ترکیه با بحران شدید اقتصادی و سیاسی روبرو می شوند. مردم ترکیه باید بهای زبانهایی که دولت ترکیه از محاصره اقتصادی عراق دیدم ابر برداند. مردم ترکیه و بخصوص کردهای این کشور معنی واقعی "دفاع از حقوق بشر" غرب و بخصوص امریکار هر چه بیشتر ترک می کنند.

سوسیالیسم از دو زاویه کهنه و نو (۱)

و کمونیسم تبدیل شده‌اند نوعی پیشداری که برای این دو سوال ظاهراً سنگینی می‌کند و بجای آنکه ابتدا به علت بحران صرف نظر از ماهیت ایدئولوژیک آن بپردازد به نقد جوهره تفکر عینیت یافته بانایافته می‌شنید «رواق بیانگر پیشروی و ارتقا، بحث ها از حد تحلیل مملکت‌گرد و کارنامه این یا آن کشور به بررسی خطوط هدایت کننده فروجه اساسی يك مجموعه است.»

در خصوص علل بحران از دیدگاه اقتصادی پاسیاسی صرف بسیار گفته و نوشته شده و راجع به جزئیات آن به اندازه کافی توضیحات روشن‌گرانه صورت گرفته بطوری که اکنون می‌توان ادعا کرد مشخصات بحران، تنوع تاثیرات آن بر اقتصاد و سرآخر امروز ارقام بازدهی تولید «اردوگاه» حتی برای کسی که بطور تفننی گذرنامه این مقوله برخورد می‌کند روشن است. بوروکراتیسم، استالینیسم، جدائی حزب از جامعه، کلکتیویزاسیون اجباری، رویزیونیسم، اراده‌گرایی، استبداد سیاسی و نیز عناوینی هستند که امروزه همه ملوک و پیش درباره نوع انحرافات يك، چند یا همه آنها را یکبار می‌بریم. اما آنچه که امروز می‌خواهیم بدانیم این نیست که از چه مقطعی می‌توان این اصلاحات را به تاریخ سیاسی «اردوگاه» اطلاق کرد، پاسخ به این مسئله که در مورد برخورد به مسئله ارشی لنین حق داشت یا استالین اکنون جوابگوی سوالات اساسی ترمانیت، بگذارید به بحث مباحث بیشتری بدهیم. سوسیال دمکرات ها نیز در تشریح دلایل سقوط «اردوگاه» از همین پدیده‌ها نام می‌برند، آنها هم در برخی انتقادات به مقوله دمکراسی با کمونیست ها شریکند اما همه اینها مانع از آن نمی‌شود که عناصر متباینی همچون سوسیالیسم و سرمایه داری را در کنار یکدیگر نگذارند و تهم دمکراسی ناب را اشاعه ندهند. بیانیه مشترک انحرافات که تاریخاً بود «حزب برادر» را در بر گرفته از سوی ما و آنها بیانگر وظیفه‌ای است که تاریخاً به انجام رسیده، دورانش سپری شده و امروز بیان کننده هیچ چیز نیست. تحت چنین شرایطی باید پرسید نقد این جوامع چه چیز است، مارکسیسم - لنینیسم یا تفسیر غلط از آن؟ وظیفه‌ی سیاسی حال، انتخاب یکی از این دو فرم سوال طرح شده بعنوان نقطه عزیمت ارزیابی‌ها از آنجاست و باید به یاد داشت به هر یک از آنها به دو گونه نمی‌توان پاسخ گفت. نمی‌توان گفت رهبری «اردوگاه» از اصول منحرف شده اما برخی از اصول نیز می‌بایست دگر گون شوند. این نظر بینابینی نیست و سرانجام در شیوه درک از همین دگرگونی به جبهه سوسیال دمکراسی با مارکسیسم - لنینیسم ملحق می‌شود. مگر آنکه کسی در این میان مدعی شود راه‌سومی یافته است!!

هیچکس نمی‌تواند مخالف تلفیق آخرین دستاوردهای علوم اجتماعی، فنی و غیره با مارکسیسم - لنینیسم باشد کما اینکه اگر اندیشه علمی مدافع چنین تصویری بود هرگز لنینیسم بایه منمنه ظهور نمی‌گذاشت و انقلاب اکتبر بر پایه انطباق اصول مارکسیسم بر شرایط روسیه شکل نمی‌گرفت. اما آنچه که از تمیز بانالفتیک يك یا چند اصل علمی تحت کادر معین همان رشته استنباط می‌شود یا

سال‌های تلاطم، مملو از دگرگونی‌ها، تحولات و بی‌هیج شبیه‌ای شکست‌ها از راه رسیده و بر چهره‌ی یکنواخت قلمروهای به ظاهر تسخیرناپذیر شمار کشیده‌اند. فصول کدر و مستانی شرق، بر توهیح آفتابی، را بر خود روانداشت تا انجماد مردان پیرار دوگاه آنرا با خود بزیر کشید و سه گذشته سیرد، بر چهره‌ای فتح سرمایه بر سر هر گوی و سرزن در اهترازند و تاراج آنچه که بر جای مانده آغاز گردیده است. آنالکه امین خانه بودند دیرگاهیت از مزرگه گریخته و ریزه‌خواران کوچک و بزرگ خود را به گدایی سفره‌ی رقیب بشارت داده‌اند.

بر زمینه این تصویر بی شکوه که سر نوشت تلخ «سوسیالیسم واقعا موجود» را انعکاس می‌دهد، تبیین دوباره دیالکتیک شکست برای کمونیست‌های سراسیر جهان آغاز می‌شود. صحنه کارزار ایدئولوژیک که سه جوانگاه انحصاری آکادمی‌های رسمی تبدیل شده بود با موج نوزائی تفکر مارکسیستی تن به پالایش می‌دهد و خواب سنگین چندین دهه را از خود می‌زداید. همه جا پیرامون آنچه که اکنون دیگر به تاریخ تعلق دارد به بحث و گفتگو پرداخته می‌شود و تلاش وسیع و همه جانبه‌ای به منظور دستیابی به نتایج و راه حل‌ها در همه سطوح انجام می‌گیرد. اگر بتوان تنها یک جنبه مثبت در مجموعه رویدادهای اخیر یافت بی شک آن همین مکاشفه نظری است که پیامدهایش رخت اندیشه‌ی علمی راه پویایی مبدل خواهد ساخت و مکان دفاتر مارگننده ایجاد می‌نماید.

یکی دیگر از اثرات فروپاشی «اردوگاه سوسیالیسم» احیای مبانی نظری سوسیال دمکراسی دهه‌های اولیه قرن حاضر است که از نظر مدت ریشه‌یابی بحران «سوسیالیسم واقعا موجود» دقیقاً در نقطه مقابل کمونیست‌ها قرار می‌گیرد. این گرایش با انگشت گذاردن بر برخی از انحرافات این کشورها بویژه در عرصه برخورد به دمکراسی، ساختن سوسیالیسم بر اساس داده‌های تئوریک کلاسیک‌ها را غیر ممکن تلقی کرده و بر ناکزیر انحرافات تحت این مدل تاکید می‌ورزد. طبیعتاً ست‌الترناتیو و پیشهادی سوسیال دمکرات‌ها در انتخاب چیزی جز جامعه بورژوازی البته با اصلاحات عدالت خواهانه نیست. اما آنچه که در اینجا اهمیت بیشتری دارد نه دیدگاه آنها به جامعه، اقتصاد، دولت و غیره بلکه مدت تحلیل سیاسی-شان از چگونگی و علل بحران اردوگاه است. این تحلیل از آنجا اهمیت می‌یابد که تنها بیانگر نگرش سوسیال دمکراسی نیست و اساساً انشعاب بزرگ در میان کمونیست‌های جهان باز مینه‌های بسیار مشابهی با آنچه که در این رابطه آنها بیان می‌دارند تشکیل می‌یابد.

صورت مسئله بحران را به دو گونه می‌توان مطرح کرد: ابتدا، «آیا سوسیالیسم واقعا موجود» بدلیل ماهیت بخشدین به احکام تئوریک مارکسیسم - لنینیسم و عدم انطباق این فرضیه‌ها با روند عینی زندگی به بحران دچار شد؟ دوم، آیا «کشورهای سوسیالیستی در نتیجه عدم کنار بست تفکر علمی در حل معضلات و پیچیدگی‌های ساختار سیاسی و اقتصادی جامعه به بحران دچار شدند؟ هر یک از این سوالات امروزه به زیربنای تحلیل دو گرایش عمده جنبش کارگری یعنی سوسیال دمکراسی

مصاحبه با رفیق مهندس سامع

در باره تحولات اخیر در کشورهای سوسیالیستی

(۱)

توضیح نبرد خلق:

مصاحبه زیر در حدود یکسال پیش انجام شد. و در جزوای جداگانه بخش گردیده است. بدلیل اهمیت مطالب مطرح و همچنین ارتباط آن با مقاله رفیق منصور، تحت عنوان «سوسیالیسم از دو زاویه کهنه و نو» (که در همین شماره قسمت اول آن چاپ شده است) اقدام به درج مجدد آن می‌نمائیم.

س - تحولات عظیمی در چند ساله اخیر در کشورهای سوسیالیستی اتفاق افتاده که عکس العمل‌های وسیعی بهمراه داشته، می‌خواستیم برای خوانندگان نبرد خلق توضیح دهید که این تحولات در درون سازمان ما چه انعکاسی داشته و برخورد سازمان ما در درون و بیرون با این تحولات چگونه بوده است؟

ج - تغییر و تحولاتی که طی چند سال اخیر در کشورهای سوسیالیستی اتفاق افتاده، وسعت و عمق زیادی دارد. دامنه این تحولات همه حوزه‌های زندگی را در این جوامع دربر گرفته و مسائلی بدنیال این تحولات پیش آمده که هر کدام هم مهم است و هم ریشه دار. این تحولات انعکاس وسیعی در سطح بین المللی و در داخل تقریباً همه کشورها داشته است. اگر بخواهیم بطور خلاصه و تنها در چند کلمه در رابطه با این تحولات اظهار نظر بکنیم باید بگوئیم که این جوامع درگیر یک بحران عمیق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده و هنوز هم هستند. این تحولات البته در سال ۱۹۹۰ که ما اکنون در آن هستیم و پس از گذشت از نقطه عطف فروپاشی دیوار برلین شتاب زیادی گرفت. در بین معیان مارکسیسم - لنینیسم در ایران که ما هم یکی از آنها هستیم، این تحولات انعکاس جالبی و آموزنده‌ای داشته است. خیلی‌ها زودتر از فروپاشی دیوار برلین فروریختند و حق اینست که آنان را «پیشاهنگ» فروریختن و به زبان سیاسی رایج پیشاهنگ «بریندن» از ایدئولوژی مارکسیستی بدانیم. آنها همی که بند نافشان به اتحاد شوروی بسته شده بود و نیز آنها همی که به تئوری‌ها و مواضع سیاسی شان را از شرایط مشخص جامعه ایران استخراج نمی‌کردند و «قطب‌گرا» و «کیسه بردار» بودند، سخت دچار فرس شده‌اند. من چند نمونه از برخوردهای گذشته این تیب افراد را توضیح می‌دهم تا خوب بشود تصور کرد که این گونه افراد حالا دچار چه مسائلی خواهند شد. در اوایل سال ۵۸، وقتی فرخ نگهباندار که حالا خیلی دم از دمکراسی تشکیلی می‌زند، با «چماق» تعفیه خیال خودش را از «مزاحمت‌های بعضی از مخالفین درونی راحت کرده بود، به خیال خودش می‌خواست این «مزاحم»‌ها را یکی یکی جذب خط خودش کند. در مورد بعضی هاهم موفق بود. یکبار صحبت مفصلی در رابطه با مسائل موجود در جنبش با من کرد. اساس استدلال او این بود که در جهان دو «قطب» وجود دارد که یکی از آنها امپریالیستی و دیگری سوسیالیستی است. او می‌گفت تمام جریانات مترقی و انقلابی باید خود را با جریان سوسیالیستی که در مرکز آن اتحاد شوروی قرار

در صفحه ۸

سوسیالیسم از دو زاویه کهنه و نو

چرخش ماهوی اصول تفاوت بنیادی دارد. در مورد اول هدف متکامل کردن و غنی ساختن دیدگاهی است که برای استفاده از حداکثر پتانسیل آن می‌بایست به تجربیات و نتایج دانش زمان مجهز شود، بعنوان مثال تکامل علوم ریاضی حتی در پیچیده‌ترین سطح آن بر پایه چهار عمل اصلی شکل گرفته و پیشروی آن از نقطه فعلی نیز از چارچوب همین اصول خارج نخواهد شد. در دو مین مورد اساسا تحلیل نفی اصول، حوزه دیگری با استقلال کامل و ویژگیهای مختص به خود مورد تحقیق قرار می‌گیرد، زیرا نمی‌توان مثلا خاصیت چسبندگی را از چسب گرفت و سپس باقیمانده را بعنوان همین ماده زیر میکروسکوپ گذاشت و در مورد آن به تجزیه و تحلیل پرداخت! بنابراین این ابتدا می‌بایست مشخص شود که تاچه اندازه اصول برای مامیتدا و زیربنای تحلیل شرایط کنونی به حساب می‌آید و بعد درباره چند و چون کاربست تجربیات هفتاد و اندی سال اخیر به بحث و مذاقه بنشینیم. من در این نوشته تلاش خواهم کرد مرحد دریافت های خود ضمن بررسی اصول پایه‌ای تفکر مارکسیسم - لنینیسم به نقد عملکرد "سوسیالیسم واقعا موجود" در این رابطه و برخی از نظرات رفیق بیژن که در مباحثی وی منتشره دی ماه ۶۹ عنوان گردیده است، بپردازم و گمان می‌کنم پاسخ من به دو سوال مذکور بخوبی خود را در این برخورد به نمایش خواهد گذارد.

۱ - شوراهای

برای تعیین نقش و جایگاه شوراهای تحت حاکمیت "سوسیالیسم واقعا موجود" به تحلیل های دور و دراز احتیاجی نیست. اشاره ای کوتاه به نامهای چئون استالین، برژنف، هونگر، چاوشسکو، کادار، شیگفک و دیگر نخبگان حزبی که دهها سال اداره جوامع "اردوگاه" را تمام و تمام به عهده داشتند بخوبی روشنگر سیستم سیاسی آنهاست. برنامه‌ی حزب جایگزین آنرا و نظرات توده‌های وسیع مردم کشته و عملا مکان خالی آنان را با توضیح نقش هژمونیک خود توجیه می‌کرد. هر خود حزب نیز وضع از این بهتر نبود. ارگان های با لایر بجای انعکاس تمایلات پائینی ها به محدود کننده اختیار اتان تبدیل شده بودند. کمیته مرکزی کنگره را محدود می‌کرد، دفتر سیاسی این وظیفه را در قبال کمیته مرکزی انجام می‌داد و سرآخ دفتر سیاسی به گروگان دردمقدر خود در می‌آمد. این سناریوی است که با اندک تفاوت هاشمی در اغلب "احزاب برادر" غالب و مغلوب مشاهده می‌شود. ساکرایسم تا این حد فشرده‌ای که دیکتاتوری فردی را نیز مجاز می‌شمارد چگونه قادر است در اجرای وظایف عملی جامعه به ابتکارات توده‌ای تکیه کند. تبدیل حزب از "منزوقلب جامعه" به شمشیر سپر خود کامکان چیز از برای تعمیم همین تمرکز شدید و ایجاد مراکز فرماندهی بر مردم نبود. وزارتخانه‌ها برنامه‌ی اقتصادی را تنظیم می‌کردند، سطح تولید را معین می‌نمودند، در مورد دستمزد، ساعات کار، شرایط کاری، مدیریت، بیمه، امکانات رفاهی و همه‌ی امور دیگری که مستقیما با کارگران ارتباط می‌یابد تصمیم می‌گرفتند و عوامل حزبی طرح را به اجرا می‌گذاشتند. تولید کنندگان اصلی در این میان به همان جایگاهی رانده شده بودند که بورژوازی غرب مدتها پیش با روند بیگانه ساختن کارگران از پرورده تولید وعده داده بود. این تفاوت که اگر در جوامع سرمایه‌داری کارگران می‌توانستند به شرایط کناری

اعتراض کنند در اینجا حتی صحبتی هم از تضادها نیستی از "دولت کارگران و دهقانان" نمی‌بایست در میان باشد. در عوض آنها می‌توانستند در روزه‌های باشکوه اول ماه مه پرچم سرخ در دست بگیرند و به افتخار لژنشینان میدان سرخ هورا بکشند! "دولت پرولتری" حتی اجازه مبارزه اقتصادی را به پرولتاریا نمی‌داد چه رسد به آنکه او را در تصمیم گیری‌ها شریک کند. آنچه واقعا طبقه کارگر بدست آورده بود از مجامع تشریفاتی و نمایش هنسای "اکثریت خرد کننده" فراتر نمی‌رفت.

شرایط دهقانان از این هم اسفناک تر بود. روزی بنابه تصمیم فلان قادر مطلق می‌بایست از گذشته خردمبورژواشی خود توبه کرده و به زندگی و کار اشتراکی روی می‌آوردند. زمانی دیگر ناچار بودند به جامعه کارگران کشتی‌آواری حقوق بگیر دولت درآیند و گاهی نیز می‌بایست میلیون، میلیون از آنها به دربار ریخته شوند تا جامعه با لایس یافته، تولید خرد نابود گردد و از نفوذ تفکرات خبدرده بورژوا منشا نه در صفوف طبقه‌ی کارگر پیشگیری بعمل آید. آری، به همین سادگی "سوسیالیسم واقعا موجود" سرنوشت میلیونها انسان را رقم می‌زد و تمایلات ذهنی خود را علیرغم نتایج فاجعه بارش به شیوه آزمایش و خطابه جامعه تحمیل می‌نمود. اثرات این روند بر چگونگی شکل یابی دهقانان و اصولا مجامع شکل گرفته‌ی آنان بسیار زیانبار بود بطوریکه مسئله دهقانان و مقاومت آنها در برابر اشکال دیکته شده مالکیت همواره بسان غنمای بدخیم گلوی دولتهای "اردوگاه" را می‌فرد و از سوی دیگر باموج بی اعتقادی به ارگانهای فرماندهی، مشکل گریزی به مثابه مابه‌ازای شرایط موجود به نحو گسترده‌ای ارتباط های پائینی و بالا راز هم می‌گست.

حقوق دیگر اقشار در زمینه حق تصمیم گیری در اداره امور نیز به همین ترتیب نادیده گرفته می‌شد. هویت مستقل اجتماعی روشنفکران، نویسندگان، هنرمندان، دانشمندان و ... توسط حزب انکار می‌شد و در جنسارت طبقه بندی شده لایمهای جامعه توسط حزب اثری از آنان نبود و بدین ترتیب بخش مهمی از قشر با فرهنگ، متخصص و آگاه جامعه نه تنها از ایفای نقش در زندگی سیاسی محروم می‌شد بلکه حتی در حوزه‌های تخصصی خود نیز تحت فشار، سانسور و سرکوب قرار می‌گرفت بطوریکه در مواردی اعلام فلان کشف علمی نیز به مجوز حزبی نیاز داشت.

این نمای مختصری از رابطه توده‌های پراکننده در تقسیم اجتماعی با قدرت دولتی بود. بسیار طبیعی است هنگامی که رای و نظر این توده‌ها نقش ایوان خواجه‌گای حزبی باشد، تشکل هاشان به هیچ گرفته شود و به آنان به

مثابه پیچ و مهره‌های "ساختمان سوسیالیسم" نگریسته شود، تنها قدرتی که باقی می‌ماند - هرچه می‌خواهد باشد، حزب، فرد، دولت و غیره - از ویژگی منحصر به فرد فعال مایشاشی برخوردار می‌گردد. در برابر اعمالش پاسخگوی هیچکس نیست یا بهتر بگویم کسی نیست که بتواند از او حساب بخواهد. هر همه کس و همه چیز نظارت دارد و حال آنکه خود در معرض هیچ قضاوتی قرار نمی‌گیرد، فاصله اش با پائینی ها چنان ابعاد حیرت انگیزی می‌یابد که تنها در جوامع عقب مانده جهان سوسی می‌توان نظیرش را یافت و سرآخ تنها وجه تشابه آن با دیکتاتوری پرولتاریا فقط عبارت اول آن یعنی دیکتاتوری می‌گردد. چیزی که ساختن

خاص خود را ندارد. سازماندهی آن از حد تمرکز بالا در همه‌ی جوانب پیروی می‌کند که به نمونه اعمال آن در حزب پیشتر اشاره شد. در جامعه نیز با مسلوب الاختیار کردن توده‌ها، دواشر اداری و ارگانهای دولتی که مسئولیت و کارمندانش به طریقه انتصابی بکار برگمارده می‌شوند، نوعی مرکزیت های کوچک را تشکیل می‌دهند که اجزای فرامین سازمانهای مافوق خود را بعهده گرفته و بر انتقال آنها تا پائین نظارت می‌نمایند. این مرکز مستقیماد برابر نهادهای اداری و دولتی با لایر مسئولند و ارتباطشان با توده‌های وسیع جامعه تنها از طریق ابلاغ دستورات است. آیا این همان ساختار سیاسی است که ماتحت عنوان "حکومت شوراهای" تصویری کردیم؟ این بورژوازی کر اتیسم منحط آیا همان تجربه کمون پاریس و شوراهای کارگران، دهقانان و سربازان روسیه است؟ بی تردید پاسخ منفی است. نه فقط به آن دلیل که مارکس، انگلس و لنین وظایف و عملکرد يك حکومت شورایی را کاملا در جهت عکس مشاهدات کنونی ما از "اردوگاه" ترسیم کرده بودند بلکه بیشتر بخاطر آنکه روند پیشرفت اجتماعی و تکامل جوامع با اشکال عقب مانده‌تر حیات سیاسی اقتصادی فرامسوینهائی ماقبل خود سرسازگاری ندارد و نمی‌تواند داشته باشد. آنچه که هرنوآموز مکتب مارکسیسم در ابتدا فرامی‌گیرد خلعت اجتماعی سوسیالیسم است که خود را در تولید، مالکیت، عدالت، مدیریت و اشکال دیگر روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به شکل توده‌ای و فراگیر متبلور می‌سازد. در حالیکه "سوسیالیسم واقعا موجود" تزارهای بی تاج و تخت راه عرش اعلی رساند تا یگانگی حاکمان سرنوشت توده‌ها گردند و یاهای گل آلودی که در اکتبر ۱۹۱۷ مبر مردم را بر تالارهای کاخ زمستانی حاکم کرده بودند را از ریشه قطع کنند. چنانداختن قدر منشا نه منویات اراکه‌ر ایتانی نومانکتاتوریهای حزبی چگونه می‌تواند با خودگردانی توده‌های یکان شمرده شود. نه، به یقین مفهوم جاری شدن اراده نیروهای بالنده اجتماع بر بستر ساختار سوسیالیستی قدرت با این تصویر بد وی و حقیر يك دنیا فاصله دارد.

سوال اینجاست: مرکزگرایی، بورژوازیسم و شیوه فرماندهی اقتصاد و سیاست در صورت فقدان کدام عوامل می‌توانند به منصفی ظهور برسد؟ پاسخ روشن است: عامل انسانی، توده‌های متشکل و اصل خودگردانی. هیچیک از فرامسویون های موجود در تاریخ حیات انسان تا مین چنین روابطی را فر مرکز توجه خود قرار نمی‌دهد به غیر از سوسیالیسم. بنابراین تنها الترناتوی که می‌توانستد برابر "سوسیالیسم واقعا موجود" مطرح باشد نه بازگشت به روابط پیشین که احیا چشم انداز آینده است. ادارهی وسائل تولید توسط تولید کنندگان، آن مناسباتی است که جهت شکل گیری قدرت را از پائینی به بالا، از اکثریت جامعه به منتخبینش سمت و سو می‌دهد و منشا آن باقی می‌ماند. شوراهای سازمان بلاواسطه توده‌ها هستند که امر برپاسازی دولت و اداره آن برای ایشان را تسهیل می‌کنند این سازمان است که قدرت را بطور طبقاتی و درامی ترین حلقه‌ی آن بدست دارد و به عمومی ترین شکل به ساختمان آن می‌پردازد. شوراهای همانگونه که کمون پاریس و انقلاب های ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ نشان داد بیان صریح و آشکار انقلاب و مبارزه طبقاتی هستند. آنها همراه با وظایفی که مرحله‌ی انقلاب فراروی خود قرار می‌دهد به ضرورت در هم شکستن قوای دشمن در مرکز فرماندهی آن با

سوسیالیسم از دو زاویه کهنه و نو

می‌دهند، وظیفه‌ی خلق‌ید از خلق‌یدکنندگان را به‌سبب می‌گیرند و بسیار موثرتر از هر قانون مصادره و سلب مالکیتی عمل می‌نمایند. مسئله مالکیت آن گروه‌گاه عمده‌ای است که انقلاب سوسیالیستی اساسا برای حل آن بوجود می‌آید. ابزار تولید اجتماعی نخواهد شد مگر این‌که تولید کنندگان خود تصمیم بگیرند و عمل کنند. چگونگی و شیوه بکارگیری آن کردند. شورازگانی است که از نظرسیاسی چنین شرایطی را فراهم می‌آورد. در یک نظام شورائی اقشار اجتماعی نه به مثابه یک توده‌ی بی‌هویت که به عنوان دسته‌های معین مردم با منافعی و خاستگاه‌های معین در نظر گرفته می‌شوند. این نظام قدرت جاری شده منبعت از توده‌های متشکل در تقسیم اجتماعی کار را تمرکز بخشیده و به آن رسمیت می‌دهد. این امر به آنان امکان می‌دهد تا بر اساس تعالیات مشخص خود متشکل شوند و بعنوان بخشی از سهامداران جامعه به نظرگاه‌های خود مأمیت بخشند، وظیفه‌ی که خود زندگی فرارویشان قرار می‌دهد. راه برنامه‌ی عمل تبدیل کنند و برای حل شان اعضای دواشر اجرایی را برگیرند، کسانی که در نتیجه شغل پایه عبارت بهتر مابوریت خود از هیچ امتیازی اعم از سیاسی یا مالی برخوردار نمی‌گردند و در هر زمان قابل عزلند. از همین نقطه است که دیکتاتوری پرولناریا و دیگر اقشار ذی‌نفع در تکامل اجتماعی نشئت می‌گیرد یعنی به موازات رها شدن نیروهای تولیدی از قید روابط ناعادلانه و به کف گرفتن اختیار آنچه که محصول دسترنج خود آنهاست و نیز اجراء و نظارت بر توزیع ثروت اجتماعی نطفه‌های قدرتی شکل می‌گیرد که نظریه مناسبات مالکیت در آن، چگونگی تقسیم ثروت و سراسر نحوه توزیع قدرت به سان کلیه نظام‌های اجتماعی ماقبل خود دیکتاتوری طبقاتی معینی است که البته برخلاف تمام آنها اینبار اکثریت جامعه را نمایندگی می‌کند. نظام شورائی بدان دلیل دیکتاتوری است که آزادی! استعمار کنندگان برای در اختیار گرفتن ابزار تولید، مالکیت بر آن و بهره‌مندی نیروی کار را به رسمیت نمی‌شناسد و در این زمینه هیچگونه حقی برای آنان قائل نیست. این نظام از آنجاست که قدرت قانونی سلب مالکیت کنندگان بورژوا یعنی دستگاه دولتی آنان را در هم می‌شکند و پلیس، ارتش، زندان‌ها و دیگر وسائل سرکوب‌شان را نابود می‌کند، در چنین مبارزه‌ای خصلت دیکتاتوری به خود می‌گیرد. اما این بدان معنا نیست که بسط‌های دمکراسی و مظاهر متنوع آن در حیطه‌های احزاب، قلم، بیان، تفکر و غیره نیز مقام استعمارگرانه قائل است. و به محدودیت‌شان می‌کشد. برعکس، هرچه دمکراسی وسیعتر باشد و هرچه تنویر افکار به رشد فرهنگ عمومی بیشتر بیانجامد به همان اندازه میزان توانائی علمی و عملی توده‌ها برای اداره و دست گرفتن امور خود بالاتر خواهد رفت. و به نحو موثرتری مالکیت اجتماعی سامان خواهد یافت. عوامل فیزیکی که با سو، استفاده از کلمات - مضحک اینجاست - و فقط کلمات، دیکتاتوری پرولناریا مترادف با استبداد سیاسی معرفی می‌کند به یقین خرسند نخواهند شد. هرگاه یادآوری گردد دیکتاتوری، زیربنای نظام شورائی است و برینتم گذشته در همه ابعادش اعمال می‌شود. امروز ما شامل شکل کشورداری و مناسبات میمان قدرت دولتی و توده‌ها ملهم از خصلت دمکراتیک مالکیت و تولید، دمکراسی است و آن هم تنها به این دلیل ساده که نمی‌توان تصمیم‌گیری و اداره اصلی‌ترین و حساس‌ترین

پایه‌های حیات یک جامعه را بدست افراد آن سپرد و در عین حال با سلب اختیار از آنان در محدوده سیاست، متوسع تنظیم اصولی، منطقی و همراه با بازدهی اقتصاد شد. چنین شرایطی مترادف هرج و مرج در هر دو بخش سیاسی و اقتصادی است و در نهایت پایه سیادت پائینی هزلنا می‌انجامد پایه دیکتاتوری با لاشی‌ها ختم می‌گردد.

مهمترین نظرات و انتقاداتی که رفیق بیژن در محابه‌ی خود در رابطه با مقولعه نظام شورائی بیان داشته است را به این ترتیب می‌توان خلاصه کرد:

۱- نفی شکل شورائی به مثابه تنها شکل نظام سوسیالیستی و اخلاقی تعیین فرم نظام به روند مبارزه طبقاتی. جزوه دی ماه ۶۹ - صفحات ۲۴ و ۲۵. از انتشارات "نبرد خلق"

۲- ابهام در مورد چگونگی پیشرفت "حاکمیت کارگری و اندیشه‌های سوسیالیستی" در شرایطی که اکثریت جامعه را اقشار غیر پرولتری تشکیل می‌دهند. همان منبع صفحه ۲۵

۳- مبهم بودن وضعیت که عدم تفکیک قوای اداره کشور بوجود می‌آورد. همان منبع - صفحه ۲۴

۱- این انتقاد مویه‌نگری است که نظام شورائی را به نوع یاتیب حکومت، بلکه یکی از فرم‌های اداره‌ی آن به حساب می‌آورد که بسته به شرایط مشخص می‌تواند اشکال گوناگونی بخود بگیرد و حال آنکه تحول سوسیالیستی نظریه یک رشته تغییرات معین در روابط تولیدی و معانیات انسان‌ها با آن است و با خصلت‌های مشخصی از نظامات ماقبل خود متمایز می‌گردد. اهداف این تحول عبارتند از: رهایی نیروی کار، تحقق مالکیت اجتماعی و سراسر اداره‌ی دمکراتیک قدرت. هرگاه منظور از مثلا مالکیت اجتماعی، حق بهره‌وری توده‌ها از ثروتی است که خود تولید می‌کنند و خود به حسابرسی سود و زیان‌های می‌پردازند و خود کنترل توزیع آنرا بدست می‌گیرند، باشد بنا بر این می‌بایست مشخص کرد چگونه این توده‌ها در پرومسی اجتماعی کردن مالکیت دخالت می‌کنند و با چه ابزاری نهادهای اقتصادی، اداری، مالی، آموزشی و غیره را بدست می‌گیرند. مسئله بر سر اسم نیست، شکل حکومتی می‌تواند بسته به شرایط، بی‌نهایت اسم و لقب و عنوان داشته باشد اما رانته‌ها هیچ چیز جز شکل سازماندهی شده قدرت توسط طبقه به حاکمیت رسیده نیست. در سوسیالیسم نیز ما با طبقه‌های روبرو هستیم که قدرت را به کف گرفته و قصد اداره کردن آنرا دارند. این قدرت از کوچکترین واحدهای کارخانه تا شکل‌های وسیع توده‌های نجات می‌گیرد، بدون این تجمعات، دیکتاتوری پرولناریا هیچ معنایی ندارد و در بهترین صورت همان "سوسیالیسم واقعا موجود" را باز تولید خواهد کرد. آیا به جز اداره‌ی امور در موثرترین نقطه خود و توسط درگیرترین افراد با آن می‌توان از توزیع دمکراتیک قدرت سخن گفت؟ تنها آن نظامی سوسیالیستی است که این تجمعات - صرف نظر از اسمی که دارند یا خواهند داشت - را به رسمیت شناسد و موجودیتش در گرو پیوستگی، تحرک و تکامل مداوم آنها باشد. حتی خلع مالکیت از بورژوازی نیز نمی‌تواند نشانه هویت اجتماعی این نظام باشد کما اینکه در مورد کشورهای "اردوگاه" نیز این امر انجام شد بدون آنکه تغییری در بافت رابطه‌ی انسان و ابزار تولید بدهد. آنچه که آنها بدان مبادرت ورزیدند خلع مالکیت به شیوه حقوقی و قضائی و تبدیل شیوه اداره بورژوازی به سیستم سرمایه‌داری دولتی بود بدون آنکه در این میان جایگاه

نیروی مولد، دستخوش دگرگونی گردد. سلب مالکیت بودن تغییر شیوه اداره و مسائل تولید و پایه بیان روشنتر تامین اقتدار تولید کنندگان بر پرور تولید و توزیع، هیچ پیشرفتی در ساختمان سوسیالیسم محسوب نمی‌شود بلکه بیشتر زمینه مادی رویش دیکتاتوری حزبی و خبیگان آن از درون مناسباتی که به اسم زحمتکشان و برای آنها به اداره می‌پردازد را فراهم می‌کند. در حالیکه دیکتاتوری پرولناریا به معنای حکومت برای توده‌ها نیست، حکومت توسط توده‌هاست. آموزگاران اندیشه علمی پیش از آنکه تجربیات عینی و عملی، اشکال کمون و شورا را به آنها بنمایند، راجع به شیوه‌ی حل وظایفی که در رابطه با سازمان سیاسی جامعه سوسیالیستی وجود دارند، سخن نگفتند و پیشگویی نکردند. اما نکته در همین جاست، آنها هیچگاه بحث پیرامون وظایف انقلاب سوسیالیستی را به آینده واگذار نمودند بلکه برعکس همواره تاکید می‌کردند که اجتماعی شدن ابزار تولید، رهایی انسان و اداره‌ی دمکراتیک قدرت اهداف مشخصی است که این انقلاب در برابر خود قرار می‌دهد. آنها تنها تعیین شیوه و فرمی که توده‌ها برای به انجام رساندن این وظایف انتخاب خواهند کرد را موقوف به پرومسی مبارزه و چگونگی پیشرفت آن کردند. به عبارت دیگر مارکس، انگلس و لنین هیچگاه تردیدی نداشتند که تحقق وظایفی که گسترده‌ترین و عینی‌ترین تغییرات اجتماعی را سبب می‌گردد، مستلزم مشارکت گسترده‌ترین و موثرترین بخش‌های جامعه است. کمون پاریس و انقلاب روسیه صحت این مدعا را به اثبات رسانید و اشکالی را به تاریخ انقلابات اجتماعی عرضه نمود که پیش از آن ناشناخته بودند اما دقیقا عینی‌ترین پاسخ تشکیلاتی به آماجی محسوب می‌شدند که کلاسیک‌های مارکسیسم بیان کرده بودند. با نطفه بندی شوراها، نظام سوسیالیستی سرانجام چارچوب پارلمانی خود را پیدا کرده و به یکی از اسباب نظری مارکسیسم خاتمه داد. از نظر تاریخی شوراها برای این نظام همان نقشی را بازی می‌کنند که پارلمان برای بورژوازی. این طبقه نیز پیش از انقلاب فرانسه، درک معینی از شکل حکومتی خود نداشت و تنها در روند مبارزه شد فتوای و بر علیه سلطنت خودگامه بود که پدیده سیستم پارلمانی تکوین یافت و به شکل کنونی آن درآمد. پس از آن هر نظام بورژوازی دیگر، با هر وجهه مشخصه‌ای، تنها و تنها از این مدل پیروی کرد و آن هم نه به دلیل الگوبرداری، بلکه بخاطر آنکه پارلمان در یک رابطه فشرده با مناسبات تولیدی بورژوازی بهترین و عملی‌ترین شیوه‌ای بود که حاکمیت او را سازمان می‌داد.

انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه، دوران تاریخی پارلمان را آغاز کرد و کمون پاریس در ۱۸۴۸، شروع یک دوران نوین عصر شوراها را بر سینه تاریخ حیات مدنی ثبت نمود. برنامه‌ای که پیشروان آگاه طبقات اجتماعی به مثابه سند تغییرات مورد نظرشان ارائه می‌دهند در حقیقت شکل آتی حکومت را نیز در خود نهفته دارد. بسته به این دیدگاه‌های تدوین شده است که زیر ساخت اقتصادی، کم و کیف قدرت و روابط اجتماعی مشخص می‌گردد. ناگفته پدیده هر برنامه از حیث اهدافی که دنبال می‌کنند، نظرگاه‌های معینی نسبت به مسائل مختلف جامعه پیدا می‌کند که جایگاه او را در صف بندی‌های موجود تعیین خواهد کرد. نظرات رفیق بیژن نیز بی‌شک از همین قاعده پیروی می‌کند.

ادامه دارد

صاحبیه با رفیق مهدی سامع

از صفحه ۵

دارد هماهنگ کنند. او می‌گفت: تضادهای اساسی جامعه ماجزئی از این تضاد اساسی جهان است و ما نمی‌توانیم مستقل از این تضاد حرکت خود را تنظیم کنیم و نهایتاً با ما هماهنگ با جریان سوسیالیستی هستیم و با اجباراً در جبهه امپریالیستی قرار می‌گیریم. مورد دیگر صحبت‌ها هائی بود که من با ابوالحسن خطیب در اواسط سال ۵۸ داشتم. او از افرادی بود که در سال ۴۹ در رابطه با جریسان فدایی دستگیر شده بود. مدتی برزندان بود و پس از آزادی به سازمان پیوست. در سال ۵۵ به همراه شهید تورج حیدری بیگوند، خط مشی مبارزه مسلحانه را در کرد و به خط حزب توده نزدیک شد و در انقلاب بهمن ۵۷ به جریان حزب توده پیوست. یک روز ما با هم برخورد داشتیم و بر اساس آشنایی‌های قبلی خیلی با هم حرف زدیم. خیلی هم صریح حرف می‌زدیم. او به سیاست‌های آن موقع سازمان که هنوز در خط مبارزه با رتجاع حاکم بود و جریان موسوم به اکثریت هنوز به آن تسلط کامل نیافته بود انتقاد می‌کرد می‌گفت خارج از اینکه خط شماره‌ست نیست، شما خیلی هم عجله می‌کنید. نباید شتاب زده باشید. باید به این مساله توجه کنید که وقتی نوبت کشور ما هم برسد، خودتون مساله را اساساً حل می‌کنند و ما باید برای آن موقع آماده باشیم و تجربه داشته باشیم. من با تعجب از او پرسیدم منظورت از خودتون کیه؟ او با مراحات تمام گفت اردوگاه سوسینا - لیم و در راس آن اتحاد شوروی. بعد هم کلی در اوصاف انقلابی که بوسیله اردوگاه انجام می‌شود و اینکه اساساً انقلاب به شیوه گذشته و بی‌نیروی خود غیر ممکن است، صحبت کرد. حالا همیشه تصور کرد که اینگونه آدم‌ها (البته آنهايي که حقیقتاً اینگونه فکر می‌کردند و نه اینکه منافع عملی در این رابطه داشتند) دچار چه مخممه‌ای شده‌اند. دست دیگرى هم بودند که کارشان کپیه برداری و خیال پردازی بود. یک نمونه آشنای آن توکل (اکبر کامیابی) بود. وقتی بحث‌های مربوط به برنامه سازمان اقلیت جریان داشت، توکل ضمن نوسانات مداومی که بین گرایش معتقد به انقلاب سوسیالیستی و گرایش معتقد به انقلاب دمکراتیک در ایران می‌کرد، اما هر بار که در مقابل مسائل مشخص جامعه حرفی برای زدن نداشت و جمله‌ای هم از کلاسیک‌های مارکسیسم پیدا نمی‌کرد تا "ایه" و ارنالز کند، می‌گفت این مساله را در انقلاب اکتبر با چندان "فرمان" حل کرده‌اند. وی آنچنان مجذوب "ایه" نازل کردن از کتب مارکسیستی بود و آن چنان در درک مسائل مبهم جامعه ساده اندیشه فکری می‌کرد که همی مسائل جامعه را می‌خواست با چندان "فرمان" حل کند. چندی قبل همین توکل که حالا با بدیدن این اوضاع و احوال سخت بریشان فکر کرده است، به قطب جدیدی ایمان آورد و طی مقاله‌ای از "کوبا" بعنوان کانون "انقلاب سوسیالیسم" که همچنان در مقابل "بورژوازی" مقاومت می‌کند، یاد کرده است. معلوم نیست اگر سردا "کوبا" هم دچار تلاطم شود، او چه "قطب" جدیدی برای خود خواهد آفرید. از این نمونه‌ها فراوان وجود دارد. اما در مورد خود ما بعضی‌ها منتقدند که ما در مورد تحولات اخیر موضع‌گیری نکرده‌ایم و یا در مواردی که هم موضع‌گیری کرده‌ایم، در موضع گرفته‌ایم. سازمان خودمان هم رفقایی هستند که همین نظر با حول و حوش این نظر را دارند. من شخصاً معتقدم که آنچه مهم است، زود یا دیر موضع‌گیری مانده، آنچه مهم است اینست که مساله در ابتدای خود ماکاملاً حل شده باشد چون در مورد اینگونه مسائل

نمی‌شود هر روز موضع‌گیری کرد. ما هم که یک جریانی نبودیم که دنبال نیروی ثنوری‌ها و سیاست‌های یک "قطب" جهانی باشیم. مارکسیسم را هم یک "شریعت جامد" نمی‌دانستیم. در مورد مسائل جهانی هم واقع بین بودیم و به ادعای "قطب"‌های موجود در کشورهای سوسیالیستی دل خوش نمی‌کردیم. خوب واضح است که این تحولات ما را "شوکه" نکرد. ایمان ما در حقانیت راهی که برگزیده بودیم، ضعیف نکرد. البته ما این تحولات را بسیار مهم می‌دانستیم و می‌دانیم و درس‌های زیادی هسلیم از آن می‌گرفتیم. اما این درس‌ها در جهت تقویت خطوط کلی و بنیادی دیدگاه‌های ما بود. مثلاً شما خوب می‌دانید که ما از همان ابتدای انقلاب بر مساله مبارزه برای دمکراسی به‌مثابه محوری‌ترین مساله مردم و جامعه خودمان تأکید می‌کردیم. در سازمان اقلیت هم بر سر این مساله کلیسی "مارک" خوردیم. بعد هم که آن ماجراهای سال ۶۲ پیش آمد و علیه ما اقلیت کودتا کردند، ما در اولین موقع گیری پس از آن جریان روی مساله دمکراسی تأکید کردیم. روی شعار "استقلال، آزادی، صلح و سوسیالیسم" از اول تأکید کردیم، در رابطه با پدیده‌های علمی هم هیچگاه ایدئولوژی را در مقابل علم قرار نداده بودیم و پدیده‌های علمی را با خطراتی که با استنتاجات ایدئولوژیک ما احیاناً همخوانی ندارد رد نمی‌کردیم. پس طبیعی است که حوزه‌های مختلف این تحولات، بنیادهای فکریمان را تقویت کند. البته ما خیلی چیزها در مورد کشورهای سوسیالیستی نمی‌دانستیم، خیلی حرف‌ها را هم از خیلی‌ها قبلاً نمی‌گرددیم، ولی چون ما در ذهن خودمان از این کشور "منجمله فائله" سخاقت بودیم و چون در رابطه با منافع ملی کشور خودمان و مصالح جنبش انقلابی مردم ایران به این کشورها از شوروی و چین گرفته تا کوبا و ویتنام انتقاد بسیار داشتیم و داریم، بنابراین واقعیت‌های تلخ این جوامع ما را در هم نشکست. برعکس ما سعی کردیم در جهت پیشبرد کار انقلابی هر چه بیشتر از این تحولات بیاموزیم. از همان ابتدای کار می‌کردیم اطلاعات لازم در مورد این تحولات بداندیم. به اشکال مختلف سعی کردیم یکجانبه با این مسائل برخورد نکنیم. برای ما در ابتدا کسب اطلاعات درست مطرح بود. خودشان در نبرد خلق دیدگاه‌های مختلف در این مورد را منتشر می‌کردند. ترجمه نظرات مختلفی را چاپ کردیم. این اواخر هم کار جالبی کردیم و مباحثه‌هایی چاپ کردیم که بیان‌کننده دیدگاه‌های مختلف در این رابطه بود و اطلاعات جالبی هم در آن نهاداشت. همچنین در بولتن داخلی سازمان مقالات مختلفی که به زبان فارسی چاپ می‌شد و نیسیا ترجمه مقالات نشریات خارجی که به سازمان می‌رسید برای اطلاع رفقای خودمان چاپ می‌شد. همچنین کمیته مرکزی سازمان برای اینکه بحث‌های ایدئولوژیک درون سازمان درست پیش رود، یک کمیسیون ایجاد نمود که من هم یکی از اعضای آن بودم. وقتی کار کمیسیون شروع شد، ما روی این بحث کردیم که از کجا باید شروع کنیم و به این نتیجه رسیدیم که باید مسائل انقلاب ایران را اهداف آن را یکبار دیگر مورد بررسی قرار دهیم. درک خودمان را از جمهوری دمکراتیک خلق مشخص کنیم و این بحث را در حوزه‌های مختلف مربوط به کاربرد حاکمیت پیش ببریم. در همین رابطه به سائلی که پس از انقلاب اکتبر پیش آمده بود مراجعه نمودیم. به نکات جالبی برخورد کردیم. حرف‌های لندن در کنگره هشتم حزب کمونیست شوروی، برای ما جالب بود. به‌رحال دور اول کار

کمیسیون به این بحث‌ها اختتام داشت. در کنگره‌های سیاسی اجلاس کمیته مرکزی سازمان در آبان ماه ۶۸ بخشی از اساسی‌ترین دیدگاه‌های ما در رابطه با این تغییر و تحولات بیان شده که در مورد آنها در سازمان اتفاق نظر کامل وجود دارد. در فاصله بین نشست آبانماه ۶۸ تا نشست اخیر کمیته مرکزی در آبانماه اسامی، بازم کار کمیسیون ادامه یافت. در این فاصله من مقاله‌ای تحت عنوان "مارکسیسم - لنینیسم خلق، راهت‌های عمل است" به کمیسیون ارائه دادم که بحث‌های مفصلی در اجلاس کمیسیون روی آن شد. در بخش کردستان سازمان هم یک سمینار وسیع‌پیرامون مسائل مطرح شده در کمیسیون برگزار شد که رفقا دیدگاه‌های خود را پیرامون این مطالب تشریح کردند. در نشست اخیر کمیته مرکزی سازمان تصمیم گرفت که رفقایی که نظرات مدون شده‌ای دارند و خواستار انتشار بیرونی آن هستند، این نظرات را به بخش نبرد خلق ارائه دهند تا انتشار بیرونی یابد. این بخصوص برای این است که فعالین جنبش انقلابی و جانبداران و حامیان و هواداران سازمان در جریان بحث‌های داخلی ما در مورد مسائل مربوط به کشورهای سوسیالیستی قرار گیرند. طبیعاً مجموع دیدگاه‌های ما در این رابطه جمع‌بندی خواهد شد و یک ارگان ملاحظیت دارد که مورد تأیید تشکیلات باشد، بعنوان نظر قطعی سازمان روی آن تصمیم گیری خواهد کرد. در این مدت که ما با این بحث‌ها درگیر بودیم، هیچگاه این بحث‌ها نتوانست به مساله اصلی ما تبدیل شود. ما این بحث‌ها را بطور مجرد انجام نمی‌دانیم، ارزش واقعی آنها برای ما این بود که بتوانیم برای انقلاب ایران و برای راهی مردم‌مان درس‌های لازم را بگیریم. ما همیشه تأکید می‌کردیم که برخورد مشخص با واقعیت مشخص در اینجا باید کاربرد خود را پیدا کند. و از این جهت اگر این بحث‌ها نتواند ما را در راهی که برگزیده‌ایم، کمک کند، اگر ما را بتنبال خودپسندانه و کم‌کم مثل اول انقلاب که حزب توده بحث "عمر" و "دوران" ارائه انداخت، بشود، آنوقت این بحث‌ها به چیزی بچوب وی شمر تبدیل می‌شود که صرفاً برای ارضای نیازهای ذهنی آدم‌هایی خوبست که از پراتیک و مردم هر چه بیشتر فاصله می‌گیرند. به‌رحال ما این بحث‌ها را در پیوند با وظایف اساسی و تکالیف مبهم انقلاب ایران پیش برده‌ایم و از این جهت دستاوردهای این بحث‌ها برای سازمان ما در راهی که در پیش داریم، بسیار زیاد خواهد بود. ادامه دارد

نامه ۵۸ سناتور امریکایی به جیمز بیکر در رابطه با

رژیم خمینی

۵۸ سناتور امریکایی طی نامه‌ای از جیمز بیکر وزیر امور خارجه امریکا خواستند که امریکا به رژیم حاکم بر ایران برای نقض حقوق بشر فشار وارد کند. این سناتورها که بیش از نیمی از سناتورهای امریکایی هستند از دولت خواسته‌اند که امریکا قطعنامه‌ای به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه دهد که در آن رژیم جمهوری اسلامی بخاطر نقض حقوق بشر شامل شکنجه، اعدام‌های بدون محاکمه مخالفین سیاسی و محدودیت و نقض حقوق زنان در ملا عام، آزار رسمی ادیان منع شده محکوم شود.

امضا کنندگان نامه همچنین نگرانی شدید خود را در رابطه با بیانییه اخیر مقامات رسمی ایران کسسه خواستار مرگ شرکت کنندگان در پرونده صلح خاورمیانه شدند را ابراز نمودند.

گزارشی از السالوادور

(قسمت آخر)

مطلب زیر "گزارشی از السالوادور" است که قسمت های اول آن در شماره های گذشته نبرد خلق چاپ شده است. قسمت آخر آن با تاخیر در این شماره به نظر خوانندگان نبرد خلق می رسد.

توضیح نبرد خلق:

گزارش زیر محصول مشاهدات یکی از رفقای سازمان در مسافرت به السالوادور است.

روز ۱۶ مارس ۱۹۸۰ در یک موقعیت استثنائی که برای سفر به السالوادور برایم پیش آمد به همراه یکی از چند گروه همبستگی بین المللی با جنبش السالوادور که شامل گروهیایی از سراسر آمریکا و ایتالیا بود عازم این کشور شدم. موختمهای من ضمن این سفر هر چند کوتاه بودی پر بار و ارزش بودند که گزارش نسبتاً کاملی از آن تهیه کرده و تقدیمتان می کنم. به امید اینکه مطالبه آن برای جنبش انقلابی مانیز شریک باشد.

لیلا

کنت کشیش دیگر می گوید: من نمی دانستم چگونه مبارزه مسلحانه را برای مردم کلیسای خود توضیح دهم اما وقتی توضیحات آن خواهر روحانی را شنیدم تازه توانستم خودم به عمق مسئله پی ببرم آنها باید مسلح باشند و جز این راهی برای پیروزی شان نیست.

آرماندو دوست السالوادوری ماکه مسئول کمیته آوارگان آمریکای مرکزی در واشنگتن است می گوید: من وقتی در سن خوزه لافلورس بودم آرزو داشتم که می توانستم آنجا بمانم اما مردم در آنجا بمن می گفتند که باید برگردیم و کارم در واشنگتن اهمیت بسیاری دارد اما کار من هر قدر هم مهم باشد باز هم آنها هستند که هر روز با مردم زندگی مقابله می کنند.

سوفیا می گوید: من که بر عکس می خواهم اینجا باشم و در کنار رقابم مبارزه کنم من بعد از این سفر به السالوادور بر می گردم می خواهم در کنار مردم زندگی و مبارزه کنم و در کنار آنها بمانم.

اران می گوید: از اینکه فکر کنم به آمریکای شمالی بازگردم متنفرم من از کشور خودم متنفرم.

نویت که به من می رسد می گویم: من باید بخشی از جنبش کشور خودم ایران باشم اما از کسب چنین تجربه ای بسیار خوشحالم و امیدوارم که فرآینده همبستگی جنبش ما و السالوادور ادامه یابد.

چهارشنبه ۸ صبح - سان سالوادور

ملاقات با کریگور آسونو نماینده فدراسیون کارگران

(اف، ش، ا، سی، ای، ش، اس) نام فدراسیون است که از ۱۰ اتحادیه بزرگ کارگری تشکیل شده است. کریگور بوآ آسونویک نفر از سه عضو شورای عالی این فدراسیون می باشد. ملاقات ما با او در محل دفتر آوارگان میسورت می گیرد.

کریگور بوآسونو که خود کارگر کارخانه ماشین آلات سنگین است می گوید:

قبل از سال ۱۹۸۲ اتحادیه های کارگری مختلفی بودند که جداگانه کاری کردند. ما تصمیم گرفتیم که این اتحادیه ها را به یک فدراسیون تبدیل کنیم بطوریکه فعالیتهای مشترک داشته باشند همین ترتیب نخست سه اتحادیه با هم متحد شدند که عبارتند از:

۱- اتحادیه تامین اجتماعی

۲- اتحادیه نانویان

۳- اتحادیه کارگران مکانیک و فلزکاری

یک اتحادیه دیگر بنام اتحادیه کارگران بیمه اجتماعی به آن اضافه شد. پس از آن تدریجاً اتحادیه های دیگر به آنها اضافه شدند از جمله دو اتحادیه زیر:

۱- کارگران مخابرات و ارتباطات

۲- اتحادیه کارگران کیمبلی کلارک که یکی از کمیته های بزرگ آمریکائی است.

بعد از آن دو اتحادیه دیگر که عبارتند از:

۱- اتحادیه کارگران کارخانه شکر

۲- سندیکای معلمان

به آن اضافه شدند که رو به ۸ اتحادیه بودند. طبق قانون السالوادور باید ۱۰ اتحادیه می شدم ثابتاً و آنگاه تشکیل فدراسیون بدهیم. در ۱۰ اکتبر ۱۹۸۶ در اثر یک زمین لرزه شدید بسیاری از اعضا، اتحادیه ها را از دست دادیم زیرا ۵ نفر از اعضا رهبری در این زمین لرزه کشته شدند. یکسال بعد توانستیم دوباره به کار خود ادامه دهیم و تبدیل به ۱۰ اتحادیه شدیم که می توانستیم تشکیل فدراسیون را بدهیم. هدف از اینکار این بود که می دیدیم اتحادیه ها به تنهایی و بطور پراکنده نمی توانند کاری از پیش ببرند اما بطور فدراسیونی بهتر می شود. فعالیت کرده در بعضی از کمیته های ما مانند کیمبلی کلارک مدیریت آن برای کارگران بیشتر برنامه های ورزشی برای سرگرمی آنها می گذاشت تا توجه آنها را از مبارزه بخاطر شرایط بهتر زندگی دور کند. در آن موقع کارگران که بیشتر سرگرم مسائل ورزشی بودند نمی خواستند به مسائل منحل واقعی توجه کنند. اما پس از ایجاد فدراسیون با فاعل کارگران کل مدیریت آن کمیته های عوض شدند. بعداً اتحادیه کارگران کافه سازی نیز به آنها اضافه شد. مدیریت کمیته های

شروع به تحریک فشار قرار دادن کارگرانی کرد که عضو اتحادیه می شدند و آنها را اخراج می کردند. ما که حال بیشتر از ۱۰ اتحادیه شده بودیم باز هم دولت اجازه قانونی برای تشکیل فدراسیون را نداد. تشکیل فدراسیون برای دولت مثل این بود که به کارگران اسلحه برای جنگیدن داده باشند و به همین دلیل موافقت نمی کردند. ما بدون توجه به کار خود ادامه دادیم. در این مدت داشتم دستگیر

می شدم. در فوریه ۱۹۸۹ یکی از رهبران مهم فدراسیون را دستگیر کردند و او را کشتند. بعد از آن بخش فرهنگی ما که بخش بسیار مهمی است مسئول آن را نیز دستگیر کرده و تحت شکنجه قرار دادند. در ماه ژوئن ۱۹۸۹ یکی دیگر از رهبران ما بنام جوزسریگودستگیر شده و تحت شکنجه های شدید قرار گرفت و به پای او اسید ریختند. روز بعد سخنگوی ما دستگیر شد. آنها به ما گفتند که شما اعضا، اف، ام، ال، ان هستید. حوزه را بنام نسبت دادن به اف، ام، ال، ان مدتها شکنجه کرده و ساعتها او را از دست آویزان کرده و تکله زنده تحت این شکنجه ها او به بیماری سختی دچار شد. او می خواستند که اقرار کند و نامه ای امضا کند که عضو اف، ام، ال، ان نیست. بعداً او با فعالیت ها و افشاکاری های گروه های همبستگی بین المللی سرانجام از زندان آزاد شد. مسئول امور فرهنگی ما هم بعداً هنگام کار در کارخانه مورد اصابت گلوله قرار گرفت و از ۱۵ دسامبر ۹۱

در بیمارستان بسر می برد.

تمام اعضا و رهبران و مدیران فدراسیون ماکارگر هستند و روزانه بیش از ۸ ساعت در کارخانه کاری کنند و بعد از مرخصی از کار به کارهای فدراسیون می پردازند.

در السالوادور حقوق کارگران در روز ۱۹ کولون کمتر از ۳ دلار می باشد. به کارگران موقت از این هم کمتر می دهند. با ۱۹ کولون چکاری می شود کرد؟ بچه ها نمی توانند شیر بخورند. یک جعبه شیر خشک ۶ کولون می باشد. یک پوند حبوبات ۲/۵ کولون. یک پوند ذرت ۱/۵ کولون است.

بنابر این این پول کفافاً چاره خانه، برق، آب و غذا را به هیچ وجه نمی دهد. همبستگی بین المللی مقداری به ما کمک می کند لباس و مقداری مواد غذایی هم گاهی از خیریه های خارجی می گیریم. دو سال است مراکز کاراخراج کرده اند. دویسم کارگر هستند و خرج خانواده را می دهند. در السالوادور فقط ۲۰ درصد افرادی که قادر به کار هستند کار داشت دارند. ۵۰ درصد جمعیت دست فروشان کنسنترا خیابان هستند. ۳۰ درصد آنها اصلاً بیکارند. محاسبات اعتیاد زیاد است. تعدادی از جوانان بخاطر فقر به ارتش رفته اند، تعدادی از آنها به اف، ام، ال، ان پیوسته اند. از بچه های کمتر از ۱۵ سال فقط ۱۵ درصدشان مدرسه می روند اما دانشگاه و شغش بهتر شده. ۲۰ درصدگانی که می توانند به دانشگاه بروند وارد دانشگاه شده اند حدود ۲۰ دانشگاه خصوصی در اینجاست اما اکثر آنرا از سال ۱۹۸۶ بسته اند. معلم هایی هستند که برای دولت کار نمی کنند و در مدرسه های خصوصی کاری کنند به همین جهت ما سازمان معلمان را ایجاد کرده ایم.

سوال: فعالیت های شما چگونه است، سیاسی یا منطقی؟
جواب: ما کارگران را تعلیم می دهیم که اتحادیه ها را رشد دهند. آنها را نسبت به زندگی خود و به بود آن تشویق می کنیم می خواهیم که با حقوق حقه خود آشنا شده و برای بدست آوردنش مبارزه کنند به همین دلیل دولتست به آنها می گوید که ما کمونیست هستیم.

سوال: حالا شما واقعا کمونیست هستید؟

جواب: جواب صریح نمی دهد. می گوید: ما برای آزادی و برابری مبارزه می کنیم ما می خواهیم که حقوق کارگران محترم شمرده شود. اف، ام، ال، ان هم همین را می گوید. خواست های ما مشترک است.

سوال: فکری کنید اگر انتخابات آزاد در السالوادور باشد دولت شکست می خورد و شما پیروز می شوید.

جواب: لبخند می زند و می گوید صد درصد اگر آمریکا می گوید در نیکاراگوئه انتخابات باشد چرا نمی خواهد

در السالوادور باشد؟

سوال: آیا مردم عادی از دولت می ترسند؟

جواب: بله. چون دولت از همه می ترسد. چون می داند این مردم گرسنه هستند و به همین جهت در مبارزه شرکت می کنند. ممکن است الان تعدادی در مبارزه ما شرکت نکنند ولی قلباً با ما موافق هستند.

مصحح با میرطلال بوآسونو نماینده کریپتس (فخر آوارگان السالوادوری در سان سالوادور)

چهارشنبه ۱ بعد از ظهر

میرطلال دختر جوانیست که با حدود ۱۰ نفر دیگر در این مرکز مشغول بکار بودند. از همان آغاز ورودشان تحریک و شور او ظاهر مرتب و آراستگاش توجه ما را جلب کرد. بعد او بعنوان مسئولان ما معرفی می شود. میرطلال که دوبرادرش در زیر شکنجه به شهادت رسیده اند و پسرش

زیرا ماتعدادمان زیاد است خیلی خیلی زیاد. میرطلا در اینجا شک چشمانش را پاک می کند و لبخند می زند بهمانی گوید کسی استراحت کنید دو هفته است که این دفتر دوباره باز شده است. کمیسیون حقوق بشر کدفام پنجشنبه ۹ صبح:

مارسیو، ۲۰۰۰ سمرانی جوان ۱۹ ساله ایست که به تازگی از زندان آزاد شده است او به ماکار دستنی زندانیان سیاسی را نشان می دهد ۲۰ ماری از دستگیرشدگان اعدام شدگان و مفقودین را بهمانشان می دهد تمام این آمار به روی دیوارها نصب شده است.

مارسیو می گوید: این سازمان در سال ۱۹۸۱ تاسیس شد. قبل از آن چنین سازمانی نبود از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳ ما بیشتر برای آزادی زندانیان سیاسی کار می کردیم بعد از آن ما در مورد مفقود شدگان تحقیق می کردیم در شرایطی که کسی توسط گارد و پاپلیس دستگیری می شود ما خانواده های آنها را به زندان و مراکز پلیس همراهی می کنیم در وقتی آنها را پیدا می کنیم به دادگاه شکایت می کنیم در دادگاه عالی به این شکایات رسیدگی می شود.

در سیستم السالودور ۲۲ طریق شکنجه وجود دارد. شکنجه در اینجا قانونی می باشد اعضا اف، ام، ال، ان را دستگیر کرده و شکنجه می کنند مردم را مجبور می کنند که نامه های امضا کنند حاکی از اینکه با اف، ام، ال، ان همکاری دارند بعضی ها اصلا خبری از این چیزها ندارند ما در مورد کسانی که ناپدید شده اند پیگیری می کنیم بین برای مثال در اوایل ۱۹۸۰ شخصی بنام آنتونیو در فلورس ناپدید شد ما شواهدی داریم که توسط پلیس دستگیر شده است ما از رئیس جمهور جواب خواستیم، او جوابی نداد بعضی وقتها اعدام مردم توسط ارتش یا پالیس شخصی انجام می شود اما اگر زیاد شکایت کنیم سر بازان را به زندان می اندازند و نه فرماندهان را در بسیاری از قتل و عام ها ارتش نظارت مستقیم دارد اما مسئولین دست اندرکار به خاطر این بی عدالتی ها محاکمه نمی شوند سازمان ما برای محاکمه این افراد به دولت فشار می آورد تا بحال ۸۰۰۰ نفر مفقود شده اند مادر محل های عمومی می روییم و تظاهرات برپا می کنیم و از اعضا خانواده های مفقود شدگان می خواهیم که بما بپیوندند جواب آنهاستیم بیشتر است ما را گازاشک آور پراکنده می کنند.

در سال ۱۹۸۷ بخاطر قانون عفو دو آرت ۲۵۰ زندانی را آزاد کرد اما تعدادی را آزاد نکردند گفتند اینها اعضا ارتش را کشته اند تعدادی از زارعین را هم آزاد نکردند گفتند در اعدام های انقلابی دخالت داشته اند و آنها بخاطر اعتراض آمریکا آزاد نشدند آمریکا گفت اگر زندانیان را آزاد کنید کمک هایمان را قطع می کنیم قصد آنها از قانون عفو این بود که بگویند فرزندان ها دیگر زندانی وجود ندارد اما آنها زندانیان را به جای دیگر منتقل کرده و در زندان هایب گذاشتند تمام سعی اشان این است که حمایت های بین المللی را قطع کنند.

پنجشنبه ساعت ۲/۵ بعد از ظهر:

کمیسیون حقوق بشر (غیر دولتی)

ملاقات با سلیا مدرانا دبیر کمیسیون حقوق بشر در

کوستاریکا

این کمیسیون پس از قتل اسکرور در سال ۱۹۸۰ تشکیل شد در سال ۱۹۷۸ با گروهی از وکلا و مقامات مذهبی شروع بکار کردیم ما هر سال به سازمان ملل می روییم تا نقش

می کنیم و شروع کردند به زدن ما و گفتند از سازمانتان بگوئید ما نمی خواهیم از کربیتس بگوئید از اف، ام، ال، ان بگوئید دست های ما را با تیغ بریدند لباس هایمان را پاره کردند و به سلول های انفرادی انداختند برای من بدترین شکنجه ها صدای شنیدن فریاد دیگران خصوصاً چه ها بود وقتی جوابی نگرفتند لباس های مرا کامل از تنم بیرون آوردند و تهدید به تجاوز کردند و گفتند حسنا لا شکنجه ای بهت می دهیم که به صحبت بیایی و یک کیسه پلاستیکی که در آن پودر بود روی سرم کشیدند و بالگد به شکم زدن تا مجبور شوم نفس بکشم، چندین بار بیپوش شدم بمن گفتند ولت نمی کنیم سه روز مرا ایستاده نگاه داشتند سه غذا، نه نوشیدنی و نه دست شویی تا حرف بزنم بهم را با اسید و سیگار سوزاندند و مجبورم کرگند مسافت زیادی راه بروم مرا به برزینی بردند و گفتند اینجا پر از حیواناتی هستند که تو را می خورند بعد مرا بردند با لای یک پرتکاه که در پایش تیغ های بزرگ گذاشته بودند دست های مرا یک نفر و پای مرا نفر دیگر گرفته بود و مرا تکان می دادند و می گفتند اگر حرف نزنای پرتابست می کنیم من گفتم من اسم کسی را نمی گویم اگر می خواهید مرا بشکند هر بار که تکلم می دادند تیغ ها را می دیدم لباس هایم را کاملاً در آورده بودند با لای آخره وقتی اسمی نگفتم مرا پرتاب کردند اما قبل از آنکه به روی تیغ ها بیغتم سه مرد در پایش مرا گرفتند، این سه مرد به ناخن هایشان تیغ بود.

ساعتی بعد مرا به اطاتی دیگر بردند که در آنجا پسر از مواد شیمیایی بود و بمن گفتند که می خواهند سینه هایم را به بوزنه محلولی به سینه من زدن و با چاقو قسمت هایی از سینه ام را برینند و بعد گفتند حالا زبانت را در بیابور، می دانستم که قبلاً زبان خیلی ها را بریده و سپس کشته اند.

بعد از آن رخ مخصوص تمیز کردن دندان را در آورده ام پیچیدند و با آن سینه ام را بریدند بعد طناب به سینه ام بستند و با آن مرا آویزان کردند وقتی بیوش آمدم احساس کردم که سینه ام را کاملاً بریده اند ولی بعد فهمیدم که آب گرم ریخته اند که احساس کنم اینکار را کرده اند وقتی بیپوش می شدم بیدارم می کردند و می گفتند پاشو، پاشو نباید بگیری من نمی توانستم از جابم تکان بخورم و آنها هم مرا روی زمین برای مسافت زیادی کشیدند مرا به اطاتی بردند بدتم را خیس کردند و سپس به آن شوک الکتریکی وارد کردند و بعد صورتم را به دیوار فشار می دادند و می زدند احساس کردم خنک از صورتم جاریست آنها دکتراً آوردند و او گفت این تادوسه دقیقه دیگر می میرد.

یک روز دیگر مرا در آب کثیف مدفوع گذاشتند و سرم را در آن فرو بردند طوری که نمی توانستم نفس بکشم آنها بمن دارو می دادند که در آن مواد مخدر بود با لای آخره چون زیاد شکنجه ام داده بودند و من حرفی نزده بودم، و می گفتند دیگران هم از او یاد می گیرند مرا به محصل دیگری بردند تعدادی از ما را آزاد کردند اما مسئولین با لا را که یکی از آنها من بودم در زندان نگاه داشتند بعد از مدتها از زندان آزاد کردند زیرا ۴ ماه در بیمارستان بسر بردم بمن گفتند اگر به کارهای سابقت ادامه دهی اینبار با گلوله سوراخ سوراخ می کنیم بعد از مدتی من دوباره دستگیر شدم و با فشارهای بین المللی آزاد کردند ما هر سوم هم که دستگیر شدیم فرار کردیم من به آنها گفتم باشکند و کشتن ما مسئله شما حل نمی شود

اعدام گشته است، صحبت هایم را اینطور شروع می کند. ما نمی بیندگی هزاران نفر را بریده داریم ما سعی می کنیم موقعیت مناسبی بوجود آوریم تا وارگان به کشورشان بازگردند ما می خواهیم که از نقش حقوق بشر توسط دولت جلوگیری کنیم اما دولت داشا بهمانی گوید که ما اف، ام، ال، ان هستیم، بله اینرا می گوید زیرا ما از حقوق مردم دفاع می کنیم، مردمی که تحت دستگیری، کشتار، زندان، شکنجه، مرگ و نابودی توسط نیروهای دولتی و نظامی قرار می گیرند مانند مردم روستاها که دولت آنها را بمباران می کند ترکورال دیدرا هفت هلیکوپتر بمدت ۵ ساعت این منطقه را بمباران می کرد و تازه دولت اعلام می کند که افرادی که کشته شده اند در اثر جنگ بین خودشان بوده است اما فشارهای داخلی و خارجی سبب شد که با لای آخره دولت مسئولیت آنرا قبول کرد و خواست به مردم مقداری کمک کند اما مردم حاضر نشدند از دولت پول بگیرند و می خواستند مسئولین این جنایت محاکمه شوند دولت جواب نداد هنوز این اعمال در روستاها مختلف ادامه دارد مردم را جستجو می کنند و سائل آنها را می گیرند می زنند، حتی شیر بچه ها را می زنند، خیابان ها را شکنجه می کنند به بهانه اینکه در لباس ها جاسازی می کنند (پارچه های آنها را پاره می کنند بمباران هنوز هم ادامه دارد سر بازان را با بروی مردم می بندند و از رساندن غذا و دارو به این مناطق جلوگیری می کنند و دشامی می گویند شما اینها را برای اف، ام، ال، ان می برید ما همین بهانه به مردم حمله می کنند از نوامبر ۸۹ که عملیات بزرگ اف، ام، ال، ان صورت گرفت دولت از بی ثباتی کشور استفاده کرد و اعلام حکومت نظامی کرده است و قانونی بنام قانون ضد تروریست وضع کرده است و بهر حال ستم را به شیوه ای دیگر بر مردم وارد می کند یک کانال رادیویی ایجاد کرده که با استفاده از آن بین فرقه ها و ملیت های مختلف، اختلاف و بین سازمانهای سیاسی نفاق ایجاد کند و گاهی آنها را منحل شده جلوه می دهد همراه توابع دفتر ما را محاصره کردند، وسائل ما را از زمین بردند و ما را دستگیر کردند و گفتند شما اف، ام، ال، ان هستید و این دفتر آنهاست.

سوال: چند نفر آواره وجود دارد؟

جواب: ۱/۵ میلیون نفر.

سوال: کار شما چیست؟

جواب: ما به محل زندگی مردم می روییم گاهی خود آنها برای کمک بما مراجعه می کنند ما به آنها کمک می کنیم که چگونه به خودشان کمک کنند ما به حمله های مختلف می روییم و در سازماندهی آنها برای همکاری با یکدیگر کمک می کنیم و بهمین طریق مردم کم کم به مبارزه کشیده می شوند.

سوال: امکان دارد مقداری از خودت برای ما بگوئی؟

جواب: بله من در ۱۹ آوریل ۱۹۸۵ با ۶۰ نفر دیگر در اینجا دستگیر شدم پلیس گفت شما برای اف، ام، ال، ان کار می کنید تهدید کردند که همه ما را می کشند، ما مقاومت کردیم و آنها ما را مورد آزار فیزیکی قرار دادند از ساعت ۲ بعد از ظهر تا ۱۱/۵ شب طول کشید تا توانستند ما را ببرند چشمانمان را بستند سه نفر خارجی، انگلیسی، امریکایی و سوئیس، نیز با ما بودند ما را در یک جای باریکی انداختند و شکنجه گران آمدند ما را مورد شکنجه قرار دادند ما گفتند شما فرماندهان محلی اف، ام، ال، ان هستید حالا خواهید دید چگونه از شما پذیرایی

حقوق بشر را در آنجا نشان دهیم. کارهای مادرش را بسط ندهیم و خلفان شدید به پیش می‌رود. همه اعضا و رهبران مادرزندان بوده‌اند و بسیاری از آنها اعدام شده‌اند. سه عضو بالای ما ز سال ۱۹۸۷ در زندان هستند. هر برآیند ریش کمیسیون در ماه مه ۸۶ دستگیر شد در ۸۷ آزاد شد و در اکتبر ۸۷ به قتل رسید.

در سال گذشته ساخت کار کرده‌ایم مخصوصاً از زمانی که آرنا در قدرت است، گزارش ما حاکی از ازمیاد شکنجه در دولت کریستیان می‌باشد. رسوم قبلی شکنجه هنوز معمول است. هنوز شکنجه کیسه پلاستیکی بروی سر کبوجا معمول است. نماینده سازمان ملل نیز از دیدار این نوع شکنجه را تصدیق کرد.

نیروهای نظامی از طرف دولت حمایت می‌توند. اوگرافیک نقش حقوق بشر را ما نشان می‌دهد. از ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۳ بدترین دوره نقش حقوق بشر از ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۶ بهتر شد. بخاطر موقعیت امریکا از ۱۹۸۸ تا ۱۹۸۹ وقتی آرنا به قدرت رسید، دو سلسله بیشتر شد.

از نوامبر ۸۹ پس از عملیات اف، ام، ال، ان به بالاترین و بدترین شکل خود رسیده است. از ماه نوامبر تا دسامبر ۹۰ نفر مفقود شده‌اند. ۹۸۰ نفر شکنجه شده‌اند. ۲۱۸۶ نفر به قتل رسیده‌اند.

قیمت ها در این مدت بالا رفته است. از معاون رئیس جمهور پرسیدیم با این قیمت ها مردم چطور زندگی کنند گفت اگر نمی‌توانند بخورند، خوب نخورند. در اصلاحات کشاورزی دولت، کشاورزان طرفدار خود را مسلح کرده است. آنها در اصلاحات کشاورزی می‌خواهند زمین را تقسیم کنند و کشاورزان را مقیروض کنند، ۸۰ درصد کشاورزان مخالف هستند.

۵ هزار زندانی سیاسی وجود دارد که ۲۰۰ نفر آنها سرباز هستند حالا گفته‌اند که می‌خواهند عفو بدهند اما این عفو بیشتر بخاطر سربازهاست. من خودم ۸ ماه در زندان بودم سربازها به فرمانده ارتش نامه می‌نویسند که اگر ما را آزاد نکنید اطلاعات و اسرار شمارا به مردم خواهیم گفت.

مادر ۱۴ ماهه گذشته یک دفتر قضائی ایجاد کردیم که خانوادهمای زندانیان سیاسی به آنجا می‌روند. ما وکیل داریم که با خانواده‌ها به زندان‌ها می‌رود و برای آنها مجانی کار می‌کند یکی از کسانی راکه آن وکیل آزاد کرده خود من هستم. ما معمولاً به دادگاه بین المللی حقوق بشر شکایت می‌کنیم.

سوال: چه تفاوتی بین شما و کومادرس (سازمان مادران زندانیان سیاسی) می‌باشد؟

جواب: زیاد فرقی ندارد. اما ما دفتر قانونی داریم آنها ندارند. ولی ما کارهای دیگری نیز انجام می‌دهیم ما برای بچه‌های زندانیان سیاسی مهد کودک ایجاد کرده‌ایم. همچنین برای کسانی که همسران خود را از دست داده‌اند گروهی تشکیل شده و برای بچه‌هایی که پدر و مادر خود را از دست داده‌اند.

سوال: آیا با سازمانهای بین المللی همکاری دارید؟
جواب: ما با سازمان ملل متحد و سازمان عفو بین الملل کار می‌کنیم.

سوال: مخارج خود را از کجا درمی‌آورید؟
جواب: کارهای مختلف کمک‌های بین المللی. فروش کار دستنی زندانیان سیاسی.

سوال: چه کسانی می‌توانند باشما کار کنند؟
جواب: کسانی که خود و با خانواده اشان تجربه دستگیری را دارند و کارهایی مانند مشروب خوری و یا استفاده از مواد مخدر را انجام نمی‌دهند.

سوال: آیا با اف، ام، ال، ان هم حقوق بشر را نقض می‌کند؟
جواب: بله، آنها هم سرموردی کرده‌اند ولی بسیار کم.

سوال: در مورد چه کسانی آنها اینکار را می‌کنند؟
جواب: کسانی که با دولت کاری کنند و آنها را تأیید نمی‌کنند.

سوال: آیا شکنجه کرده‌اند.
جواب: من نمی‌خواهم از اف، ام، ال، ان دفاع کنم ولی آنها فقط گاهی کتک می‌زنند اما شکنجه‌های دولت طور دیگری است. دولت تبلیغات دروغ زیاد می‌کند مثلاً فردی را اعلام کرده‌اند که به خودش نارنجک بسته تا پلی را منفجر کند. پرومادر او ساگفتند که او ۸ روز پیش دستگیر شده است. ما تحقیق کردیم دیدیم اصلاً چنین پلی وجود ندارد. چندی پیش نیز سربازها به دختری تجاوز می‌کنند و خودشان را از اعضا اف، ام، ال، ان به مستخدم معرفی می‌کنند.

دانشگاه کاتولیک - دوسان سالوادور
جمعه ساعت ۸/۵ صبح:

اینجا دانشگاهی است که ۶ کتیش در این جاتدریس می‌کرده‌اند به‌مراه دو خدمتکار توسط نیروهای ارتش به قتل می‌رسانند. روی دیوار کلیسای کاتولیک گفته "اسکر-رومبو" اسقی که در حین انجام مراسم مذهبی توسط ارتش در کلیسا به قتل رسیده حک شده است. "اسکر-بمیر دوباره در مردم سالوادور زنده خواهد شد" این شش کتیش در همین کلیسا به خاک سپرده شده‌اند.

توضیح: حوزه ماریگو ۴ روزی از بازگشت ما از این سفردرنگ تعادف اتومبیل ساختگی توسط دولت سالوادور به قتل رسید.

پایان

از اقدامات دادگاه ویژه روحانیت
دادگاه ویژه روحانیت رژیم آخوندها حسین هاشمیان نایب اول رئیس مجلس ارتجاع رایه ایمن دادگاه احضار کرده است به نوشته روزنامه سلام (روزنامه وابسته به آخوند خویشی ها) در تاریخ ۲۳ آبان امسال علت احضار هاشمیان، دیدار اخیر او و گروهی از نمایندگان مجلس ارتجاع با منتظری بوده است. مرتضی الویری یکی دیگر از نمایندگان مجلس ارتجاع در یکی از جلسات اخیر مجلس اعلام انمود که هاشمیان بخاطر ملاقات با منتظری به دادگاه احضار شده است، در حالیکه بیش از ۷۰ نفر از نمایندگان مجلس مقلد منتظری هستند.

با کمکهای مالی خود
سازمان را یاری رسانید

رژیم تروریستی و وقاحت آخوندی

رژیم تروریست خمینی هر چند وقت یکبار دست به اقدامات تروریستی در خارج از کشور می‌زند و هر بار با وقاحت تمام که تنها از عهده آخوندهای جنایتکاری چون رفسنجانی و خامنه‌ای بر می‌آید، این اقدامات تروریستی رایه جریانات مخالف خود منتسب می‌کند. با وجود اینکه بارها با صدها مدرک و دلیل ثابت شده که این آخوندهای جنایتکار هستند که مستقیماً به این اعمال تروریستی دست می‌زنند و از آن بهانه یک سیاست داعمی استفاده می‌کنند، مع الوصف آخوندهای حاکم با پرویی تمام این اعمال رایه حساب "اختلافات" داخلی نیروهای اپوزیسیون می‌گذارند و هر بار هم که دروغ هایشان آشکار می‌شود، با دروغی بزرگتر ادعاهای مسخره و بی پایه‌ای را مطرح می‌کنند. مثلاً این رژیم وقتی در دادگاه ژنو، که به شکایت رژیم از یک خبرنگار سوئیس رسیدگی می‌کرد، محکوم و عملاً خبرنگار سوئیس تبرئه شد، ادعا نمود که دادگاه مسئول رسیدگی پرونده در ژنو بوق رایه جانب جمهوری اسلامی داده است. اینگونه ادعاهای مسخره نیز عموماً در نشریه خارج از کشوری رژیم که توسط ساواک آخوندی بنام "کیهان هوائی" منتشر می‌شود درج می‌شود. رژیم تروریست حاکم بر مین مادر تاریخ ۲۸ شهریور امسال، کاک سعید یزدان پناه، دبیر هیئت موس اتحاد انقلابیون خلق کردستان را در سلیمانیه ترور نمود. رفیق سعید که تا تاریخ ۲۰ اردیبهشت امسال که این سازمان کردستانی را اعلام نمود، عضو کمیته مرکزی سازمان ما بود بر اساس تحلیل مشخصی که از شرایط مبارزه خلق کرد داشت، اقدام به ایجاد این جریان نمود و پس از تروری سازمان ماضی یک اعلامیه این اقدام تروریستی رژیم را محکوم و شهادت وی را تسلیت گفت. نیروهای سیاسی دیگری که در این رابطه موضع گیری نمودند، رژیم آخوندها مسئول این جنایت اعلام نمودند. حال رژیم باز هم به دروغ های و قبحخانه متوسل می‌شود و خبر این ترور را در کیهان هوائی منتشر می‌کند تا هم به نیروهای خود روحیه داده و هم در مورد نیروهای اپوزیسیون به دروغ پردازی بپردازد. اما تجربه نشان داده که هیچکس اینگونه ترفندهای آخوندی را باور نکرده و نمی‌کند و تمامی هموطنان هوشیار و آگاه مادر خارج از کشور، گماکان رژیم آخوندی جمهوری اسلامی را مسئول اعمال تروریستی در خارج از کشور می‌دانند.

کیهان هوائی - شماره ۴۵۲ - صفحه ۴
۴۴ رشنبه ۲۴ مهر ۱۳۷۰ - ۱۶ اکتبر ۱۹۹۱

مسئول اتحادیه به اصطلاح انقلابیون خلق کردستان در سلیمانیه عراق ترور شد

تهران - برویس خبر کیهان هوائی - ۱۸ مهر - ۱۰ اکتبر - مسئول اتحادیه به اصطلاح انقلابیون خلق کردستان و لفسر دوم و مسئول سابق کمیته کردستان چریکهای فدائی (اقلیت) در سلیمانیه عراق می‌رود اسامیت گلوله قرار گرفت و به هلاکت رسید. بنا بر گزارش رادیو حزب مستعده دموکرات، سید یزدان پناه فرزند غیر اصل بوکان و مسئول اتحادیه به اصطلاح انقلابیون خلق کردستان در تاریخ ۲۸ شهریور ماه گذشته در سلیمانیه عراق کشته شده است.

اتحادیه به اصطلاح انقلابیون در هر ماه گذشته طی اطلاعیه‌ای از اقلیت جناح دمپدی سامع جدا شد و اعلام موجودیت کرد.

پدر سید یزدان پناه از فسادهای بوکان بوده که اینک به همراه خانواده اش در قلند به سر می‌برد.

گفته می‌شود با وقوع انشقاق گروههای مختلف مستقر در عراق و لوح گیری فسادهای داخلی میان آنها، ترور اسامه و هاداران این گروهها به صورت قابل توجهی افزایش یافته است.

اطلاعیه دبیرخانه

شورای ملی مقاومت

کشور کشیده شده و گاه به صورت درگیری قهرآميز مردم با عوامل سرکوبگر رژیم درمی آید، بیشتر فعال شدن عنصر اجتماعی و ورودش به صحنه مبارزه سیاسی است.

بنابراین همچنانکه شورای ملی مقاومت ایران از آغاز اعلام کرده است باید دیگر بروشنی ثابت می شود که رژیم نامشروع ضد انسانی خمینی نه تثبیت شدنی است و نه استحاله پذیر و توهم پراکنی دربارهی "میانسه روی" و رنجانی نیز مطلقاً بی پایه و اساس بوده است. این رژیم در تمامیت خود سرنوشتی جز سرنوشتی محتوم ندارد.

۲. فعال شدن عنصر اجتماعی و خیزش های حق طلبانهی مردمی نتیجهی بلاواسطه درهم شکسته شدن ظلم جنگ طلبی و خوردن "زهرآتش بس" از سوی دیکتاتوری ارتجاعی است. زهری که اساس درپی شعارهای صلح و آزادی توسط تنها جانشین دمکراتیک و مردمی (شورای ملی مقاومت) و ارتش آزادیبخش ملی به حلقوم خمینی ریخته شد، هرچند که بروز و ظهور آثار آن بخاطر فضای کویت و جنگ خلیج فارس مدتی به تاخیر افتاد اما قدر مسلم این است که رژیم بحران زای ولایت فقیه که جنگ و صدور بحران به خارج از مرزهایش را مهمترین عامل بقای خود یافته بود پس از تن دادن به آتش بس "تحمیلی" چاره ای جز روبرو شدن با نتایج انفجاری این بحران ها مرداخل کشور و درمرون رژیم نداشته و ندارد. از این رو شورای ملی مقاومت خیزش های مردمی و ورود عنصر اجتماعی به صحنه مبارزه سیاسی را تسریع کننده و مکمل تلاش ارتش آزادیبخش ملی ایران برای سرنوشتی رژیم شد بشری تلقی می کند.

۳. همزمان با اوچگیری تضاد مردم با رژیم، بر شدت و عمق تضاد میان جناح های درونی رژیم نیز افزوده شده است. کار این تضاد در "بالا"ی رژیم اینک به تسویه حساب هایی کشیده شده که بیش از پیش جنبه خفونت آمیز پیدا می کند، درحالی که در "پائین" و در "بطنه" رژیم به صورت ریزش روز افزون نیروهای تجلی می یابد که ابزار سرکوب با "پشتوانهی مردمی" رژیم را تشکیل می داده اند. خفونت آمیز شدن تضادها در "بالا" و ریزش نیروهای فعال رژیم در "پائین"، به فعال تر شدن عنصر اجتماعی و ما را به روند سرنوشتی توسط ارتش آزادیبخش ملی شتاب بیشتری می بخشد. رژیم ضد بشری و ایادی و متحدانش می گویند تا در تبلیغات خود خیزش های مردمی را بالکل مسکوت بگذارند یا نقش مردم و مقاومت مسلحانه انقلابی و تنها جانشین دمکراتیک و مردمی یعنی شورای ملی مقاومت ایران را در گسترش بسی سابقه اعتراض ها انکار کنند. حال آنکه طبق گزارشات ارگانهای اطلاعاتی رژیم و بحث ها و اظهار نظرهای درونی مقامات آن - که مسئول شورا شمای از آنها را در اجلاس شورا قرائت نمود - دشمن ضد بشری به نقش تعیین کنندهی این مقاومت اشراف و اذعان دارد. در خارج از ایران نیز برخی محافل تلاش می کنند مقاومت مردمی و حرکت های اعتراضی را صرفاً به حساب برخورد های درونی جناح های رژیم بگذارند. هرچند جنگ و جدال های جناح های متخاصم و نیز شرکت پاره ای از عناصر "پائین" رژیم در حرکت های اعتراضی مردم قابل انکار نیست - و این خود مبین ترنزل روز افزون موقعیت هیات حاکمه است - اما گستردگی ابعاد و فراوانی و شدت جنبش ها

و اعتراضات مردمی بحدی است که نه در چارچوب تنگ "تضادهای درونی جناح ها" بلکه در قالب یک بحران عمیق اجتماعی و تغییرات تدریجی تعادل قوا به سود مردم و به زیان رژیم قابل شناسایی و قابل توضیح است.

ب - در مورد اوضاع منطقه ای و بین المللی، گزارش مسئول شورا به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نیز گزارشات مشروحه توسط اعضا و نمایندگان شورا در کشورهای مختلف پیرامون فعالیت های بین المللی مقاومت در فاصله ی دواجلس شورا ارائه شد.

گسترش مناسبات سیاسی - دیپلماتیک مقاومت در کشورهای مختلف در مقابله با دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر میهنمان و شناسایی روز افزون این مقاومت در سطح بین المللی همراه با محکومیت های پیاپی رژیم ضد بشری در مجامع مختلف جهانی از دستاورد های این دوره بود. شکست و محکومیت فضاقت سازدارو - دسته ی رنجانی در دادگاه ژنو، محکومیت قاطع رژیم در سوکمیسیون منع تبعیض ملل متحد، افشای خریدهای تضحیحاتی و پروژه اتمی آوندها که به ترمیح خودشان برای بقای حاکمیت شان طراحی کرده بودند، مقابله با سفرهای نمایندگان اروپایی به تهران برای فشرده ساختن آوندهای جنایتکار، افشای تروریسم صادراتی رژیم در اروپا و محدود کردن میدان عمل تروریستی آن، مقابله با سفرهای کارگزاران رژیم و نمایش های مضحک سیاسی - فرهنگی آنان در خارج و جلب حمایت بسیاری احزاب، پارلمانها، شخصیت های سیاسی و دولتمردان در کشورهای مختلف جهان بسود مقاومت عادلانه ی مردم ایران و الترناتیو دمکراتیک همراه با موضعگیری صریح آنان علیه رژیم، در این شمار است.

ج - در اجلاس شورا تقاضای عضویت خانم فرشته اخلاقی و آقایان محمد اقبال، پرویز خاژی، حسین فرحید عبدالملکی معصومی، حسن نایب آقا و محمد حسین نقدی مطرح و پس از بحث و شورگانی به اتفاق آراء به تصویب رسید.

د - شورا همچنین ماده ی واحده ی زیر را "درینباره ی نمایندگی های دائمی و دبیر ارشد شورا" تصویب نمود:

"ماده ی واحده - نمایندگان دائمی شورا در کشورها، اگر از میان اعضای شورا منصوب نشده باشند، باید به عضویت شورا درآیند. در صورت تصویب عضویت در شورا، اگر عضو یکی از گروه های داخل شورا باشند، عضویت آنها در آن گروه یا سازمان به حالت تعلیق در خواهد آمد، اما ادامه رابطه با گروه یا سازمان مربوطه بلامانع است. تبصره - دبیر ارشد شورا نیز مشمول این ماده است."

بر اساس این مصوبه، آقای محسن رضایی دبیر ارشد شورا و آقایان دکتر صالح رجوی (نماینده ی شورا در فرانسه و سوئیس)، دکتر مسعود بنی صدر (نماینده ی شورا در آمریکا) و بهمن اعتماد (نماینده ی شورا در انگلستان) به عضویت شورا درآیند. در چارچوب همین مصوبه عضویت آقایان محسن رضایی، مسعود بنی صدر و بهمن اعتماد در سازمان مجاهدین خلق ایران به حالت تعلیق درآیند.

ه - به دعوت خانم مریم رجوی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران، اعضای شورای ملی مقاومت بعنوان میهمان در روز ۲۲/مهرماه در آخرین جلسه ی شورشورای مرکزی سازمان مجاهدین که گزارش سیاسی، نظامی و تشکیلاتی مسئول اول و نیز مباحث استراتژی و انتخاب جانشین مسئول اول سازمان را در دستور کار خود داشت، حضور یافتند و متعاقباً انتخاب خانم فهیمه اروانسی را

استیصال رژیم در مقابله

با بحرانها

از صفحه ۱

از عوامل اطلاعاتی رژیم که هم اکنون در اختیار سرویس های اطلاعاتی این کشور هستند، رژیم آدمکش خمینی در مقابل افکار عمومی بدست افشا شده و راه گریزی نمی یابد. حملات قهرمانانه هواداران مقاومت با تخم مرغ های گندیده به اکیب های اعزامی رژیم به خارج کشور که منجر به افشای هرچه بیشتر جنایات رژیم می شود مانع اساسی دیگری در راه پیشرفت اقدامات بیرون مرزی رژیم ایجاد کرده است. در ماههای گذشته عوامل رژیم و در اس آنها رنجانی در دادگاههای که در ژنو به درخواست خود رژیم تشکیل شد، و موضوع آن رسیدگی به اتهامات یک روزنامه سوئیس به رنجانی در رابطه با ترور شهید بزرگ حقوق بشر دکتر کاظم رجوی بود، بدست رسا شده و طبق رای دادگاه جهانیان عامل و بانی این قتل را که همانا شخص رنجانی بود بخوبی شناختند. از آنجائیکه این اعمال با منافع آسی رژیم که سعی در جذب کشورهای غربی به بازار خود دارد کاملاً متضاد قرار می گیرد، در تحلیل گر بی طرفی راه طرف این سوال می کشاند که چرا رژیم دست به این اعمال می زند. مثلاً در رابطه با ترور پختار در پاریس، این ترور در زمانی صورت می گیرد که مسافرت رئیس جمهور فرانسه به ایران تقریباً قطعی شده بود و بدینحال این مساله کل رابطه بین دولت های ایران و فرانسه زیر سوال رفت. اصل مطلب اینست که نیاز رژیم به نگهداری نیروهای مزدورش که با چنین اعمالی تقویت روحی می شوند بقدری است که عطای رابطه با کثوری مثل فرانسه را به سادگی به لغایش می بخشد و در این موقعیت حساس که سراسر ایران به جوش و خروش آمده است، نیروهای خردگیر خود را سازمان می دهد. تضادهای درون دستگاه حکومتی آوندها نیز بقوت خود باقی است و همچنان شدت می یابد. جدیدترین برخورد درون حکومتی که حکایت از عمق تضادهای رژیم نیز دارد مربوط به محاکمه مدیر مسئول روزنامه خراسان در دادگاه ویژه

در صفحه ۱۳

بعنوان جانشین مسئول اول سازمان مجاهدین تبریک گفتند.

و - اعضای شورای ملی مقاومت همچنین در روز ۲۶/مهرماه در مراسم رژه بزرگ یگانهای نمونه ارتش آزادیبخش ملی در برابر فرماندهی کل که در حضور مدها تن از پشتیبانان و هواداران مقاومت و خبرنگاران رسانهای متعدد خبری جهان انجام شد، شرکت کردند.

این رژه عظیم و باشکوه که ۴/۵ ساعت بطول انجامید و بنابه تصریح خبرنگاری ها و رسانهای بین المللی "در استانداردهای جهانی گروه های مقاومت بی سابقه و خیره کننده بود" به اعتقاد اعضای شورایش از پیش مبین اعتلا ی مقاومت ایران و تنها جانشین دمکراتیک و حاکمی از حد اکثر کارایی و رزم آوری فرزندان دلیر و از جان گذشته ایران زمین در ارتش آزادیبخش ملی است و حتمیست سرنوشتی رژیم ضد انسانی خمینی و نیل به آزادی و حاکمیت ملی و مردمی را نوید می دهد.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت

۱۳۷۰/بان/۵

چند خبر و اظهار نظر در رابطه با کردستان عراق

طی ماه گذشته مذاکرات مربوط به خودمختاری کردستان عراق در یک حالت رکود قرار گرفته بود و این در حالی بود که طرفین به اشکال مختلف بر سیاست های خود تاکید می کردند.

جلال طالبانی پس از بازگشت از مسافرت امریکا و اروپا بیشتر بر مساله سرنگونی دولت عراق تاکید کرده و از ایجاد یک دولت موقت در شمال عراق دفاع کرده است. مسعود بارزانی به این سیاست انتقاد نموده و خواستار قطعیت دادن به مذاکرات و امضا و موافقت نامه بوده است. در زیر چند اظهار نظر و خبر در این رابطه به سرورای خوانندگان نبرد خلق از اوضاع کردستان عراق - فرج می کنیم.

رادیوی حزب دمکرات کردستان عراق در تاریخ ۳ آبان سخنرانی مسعود بارزانی در "اردوگاه برخوردار" را منتشر می کند. مسعود بارزانی می گوید: "ما می گوئیم صلح می خواهیم و می پرسیم ای مردم آیاراه دیگری هست؟ البته اگر هم باشد یک کودتای نظامی است که ممکن است اتفاق بیفتد. ما می توانیم بگوئیم نتیجه ای برای ما ندارد. اگر اپوزیسیون عراق هم کاری بکند مطمئن نمی توانیم بگوئیم نتیجه ای برای ما ندارد. انگلیس اپوزیسیون عراق هم کاری بکند ما نمی توانیم خوشحال شویم."

هوشیار زبیری در تاریخ ۴ آبان به خبرگزاری رویتر گفت: "مقامات امریکایی به هیئت چپه کردستانی گفته اند که آنها خواهان یک عراق دمکراتیک است و یولاریستیک هستند. ولی بر سر مساعده خودمختاری توصیه ای نداشتند آنها مساله خودمختاری را مورد تأیید یا مخالفت قرار نمی دهند. آنها گفتند این به تصمیم خود شماست و باید خود مسائل خودتان را حل کنید."

خبرگزاری رویتر در تاریخ ۴ آبان گزارش نمود که: "مسعود بارزانی خواست تا ۲/۵ میلیون کرد عراقی در رابطه با اینکه با حکومت عراق صلح کنند و با مبارزه مسلحانه را شروع کنند رای دهند." بارزانی از پیشنهادات اخیر که توسط گروه های مخالف عراق بویژه جلال طالبانی رقیب سیاسی او عنوان شد، انتقاد کرد، مخصوصا پیشنهاد ایجاد یک دولت موقت در کردستان.

رادیو فرانسه در تاریخ ۱۵ آبان گفت: "هیاتیی از شورشیان کرد عراقی امروز به منظور تقاضای رفع تحریم از دولت این کشور رهسپار بغداد شد." رادیوی بی بی سی در برنامه ۱۷ آبان خود گفت: "دیروز جلال طالبانی طی یک اعلامیه از پیشنهاد همه پرسشی پشتیبانی کرد و اعلام کرد که او نمی خواهد از بارزانی بیرون آید و در همان حال بدون اینکه از کسی اسمی ببرد، رهبران کرد را به تسلیم پذیری به جای گرد آمدن کردها برای مقاومت در برابر آنچه که وی سرکوب عراق نامید، متهم نمود."

هفته نامه انگلیسی فارین رپورت در ۱۶ آبان خبری درباره اپوزیسیون عراق بدین ترتیب منتشر نمود: "نیروهای اپوزیسیون عراق شامل کردها، کمونیست ها و بنیادگرایان شیعه قرار است برای اولین بار از زمان کنفرانس تحت الحمایه سوریه در بیروت در اکتوبر، ماه جاری در عربستان بایکدیگر ملاقات کنند. شیخ ابوالبراهیم

استیصال رژیم

روحانیت است. این فرد که از جناح مخالف رفسنجانی می باشد از خوند موسویان نام دارد که شش سال پیش از طرف گروهی رئیس مجلس آخوندها به مدیریت روزنامه خراسان منصوب شده است. جرم او درج مطالبی علیه جناح رفسنجانی در روزنامه خراسان عنوان شده و به گفته های جناح مقابل در دادگاه ویژه روحانیت و بدون دعوت و حضور هیئت منصفه مطبوعاتی و بطور غیرعلنی محاکمه شده است. دادگاه ویژه روحانیت که از دستورات رفسنجانی پیروی می کند جدیداً اقدام به گرفتن زهر چشم از جناح مقابل کرده و در این رابطه محتشمی سردمدار خط امامی و یکی از مخالفین اصلی رفسنجانی را نیز بخاطر درج اظهاراتش بر علیه رفسنجانی در یکی از روزنامه های خط امامی به دادگاه احضار کرده است و اعلام کرده که پرونده یکی از نمایندگان مجلس به جرم فساد مالی نیز در جریان است. اقدامات رفسنجانی در خاموش کردن جناح مخالف درون رژیم عکس العمل های مختلف این جناح را بدین حال دارد که با لا گرفتار اعترافات مردمی به نقطه تعیین کننده خواهد رسید. نگاهی کلی به مجموعه اعترافات مردمی بر علیه رژیم پوتالی خمینی و عمق یابی خیره کننده آن، دورنمای روشنی از قیام مردمی که می تواند مقدمه سرنگونی رژیم باشد راه مانعان می دهد. مسلماً خیزش سراسری توده ها بدون داشتن رهبری و نیروی پیشواز سازمان یافته نمی تواند به آماج های تعیین شده خود برسد. شرایط ارتش از آن جهت ضعیف می باشد که ایران بدون نیروی سازمان یافته و انقلابی نمی تواند این خلاء را پر کند و با فراگرد قیام توده ای که منجر به شکست نیروهای اختناق و سرکوب رژیم، که فروریزی هراس توده ها از روشنی و مستقیم با مزدوران رژیم را بدین حال خواهد داشت، ارتش آزادبخش ملی ایران می تواند با دخالت قاطع و تعیین کننده خود پیروزی قیام را تضمین نماید.

در زیر به گوشه ای از ناراضی های مردم میهنمان که از میان گزارشات رسیده از رفقای داخل کشور انتخاب شده اشاره ای می کنیم.

برخی از رویدادهای تاریخی

- ۲۹/نوامبر/۱۹۴۴ - سالروز آزادی البانی از اشغال نیروهای فاشیست ایتالیایی
- ۳۰/نوامبر/۱۹۴۵ - تشکیل فدراسیون دمکراتیک بین العلیی زنان
- ۹/دسامبر/۱۹۴۵ - تصویب منشور حقوق سندیکایی زحمتگشان بوسیله شورای عمومی "فدراسیون سندیکایی جهان"
- ۱/دسامبر/۱۹۴۸ - تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در مجمع عمومی ملل متحد
- ۲۲/نوامبر/۱۹۵۰ - بنیان گذاری شورای جهانی صلح در ورشو
- ۲۱/دسامبر/۱۹۶۴ - بنیان گذاری سازمان آزادیبخش فلسطین
- ۳۰/نوامبر/۱۹۶۷ - استقلال یمن و تأسیس جمهوری دمکراتیک خلق یمن جنوبی

- ۱ - اعتراض و ناراضی از نرخ اقلامی نظیر: گوشت گزایه حمل و نقل بین شهری، انشعاب برق، آجر و مصالح ساختمانی، زمین های واگذاری از طرف رژیم، بیرونی، گاز، ویزیت پزشکان.
- ۲ - اعتراض و ناراضی نسبت به کمبود گاز مایع و یا لا بودن قیمت آن.
- ۳ - ناراضی نسبت به کمبود نفت سفید و عدم اعلام کوپن آن.
- ۴ - اعتراض ناراضی اصناف نسبت به بالا بودن مالیات ها ناراضی رانندگان کامیون از افزایش نرخ روغن موتور.
- ۵ - ناراضی مردم از کمبود جای کوپن.
- ۷ - ناراضی مردم از افزایش نرخ ویزیت پزشکان و همچنین افزایش نرخ تزریق آمبول و سرم.
- ۸ - ناراضی مردم در خصوص چگونگی توزیع کوپن مرحله نهم که موجب تجمع و ازدحام مردم در مقابل بانکها گردیده بود.
- ۹ - ناراضی و تجمیع طومار توسط لوکوموتوریاران
- ۱۰ - ناراضی کارگران کارخانه جنوب در خمیسوف اضافه کاری و عدم پرداخت اضافه تولید از جانب مدیریت
- ۱۱ - ناراضی کارگران کارخانه سلک باف از مصرف نخبای نامرتوب
- ۱۲ - ناراضی کارگران کارخانه درخشان لیزد نسبت به پائین آوردن مقدار اضافه تولید توسط مدیریت و تغییر شیفت کار.
- ۱۳ - اعتراض و اعتماد کارگران کارخانجات افسار در اعتراض به افزایش نرخ پتو، سیمه ماهانه آنان، حق نوبت کاری.
- ۱۴ - اظهار ناراضی صنف راننده و دارندگان وسائط نقلیه از افزایش نرخ جرایم رانندگی و ایجاد ناراضی عمومی در ارتباط با افزایش بی رويه گزایه حمل و نقل توسط خودروهای مسافرکشی داخل و بین شهری.

این قبیل اعتراضات که در اینجا به گوشه ای از آن اشاره شد، بخوبی نشان می دهد که قیام سراسری مردم امری یخچالی و ساخته پیرداخته ذهن این و آن نیست و باید به این قیام باور داشت.

- ۲۹/نوامبر/۱۹۴۴ - سالروز آزادی البانی از اشغال نیروهای فاشیست ایتالیایی
- ۳۰/نوامبر/۱۹۴۵ - تشکیل فدراسیون دمکراتیک بین العلیی زنان
- ۹/دسامبر/۱۹۴۵ - تصویب منشور حقوق سندیکایی زحمتگشان بوسیله شورای عمومی "فدراسیون سندیکایی جهان"
- ۱/دسامبر/۱۹۴۸ - تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در مجمع عمومی ملل متحد
- ۲۲/نوامبر/۱۹۵۰ - بنیان گذاری شورای جهانی صلح در ورشو
- ۲۱/دسامبر/۱۹۶۴ - بنیان گذاری سازمان آزادیبخش فلسطین
- ۳۰/نوامبر/۱۹۶۷ - استقلال یمن و تأسیس جمهوری دمکراتیک خلق یمن جنوبی



نماینده تقریباً دهمی حکیم در عربستان مشغول آماده کردن کنفرانس و همچنین ورود حکیم برای اولین بار در پادشاهی عربستان می باشد. طالبانی در این کنفرانس شرکت می کند. در حالی که مسعود بارزانی هنوز تصمیم نگرفته که آیا به عربستان برود یا خیر. این کنفرانس زیر نظر شاهزاده ترکی رئیس سرویس اطلاعاتی مسعودی و مسئول هماهنگی اپوزیسیون عراق اداره می شود.



ترجمه‌ی مطلبی از روزنامه فیکار و در زمینه رابطه‌ی دولت فرانسه و رژیم خمینی

روزنامه فیکار و ۱۷ آبان:

از مدتی پیش متوجه هستیم که دیپلماسی میتران بر اساس همان پرنسپی است که رابطه "زاواتا" با فلسفه (نام یک دلقک معروف فرانسوی می‌باشد) اما اینبار برآستی غیر قابل تحمل گشته، وقاحتی که سیاست خارجی مارادبر برگرفته افشاح برانگیز است به چه صورت آنرا قضاوت کنیم؟ بانبروی پشتکار و شهامت، قاضی پروگیر موفق به اثبات اینکه مقامات بالای ایران در قتل بختیارد در خاک فرانسه دست داشته‌اند، شد دولت فرانسه زمانی که در جریان این واقعت عربان قرار گرفت، آیا از ملاها درخواست کرد که این عمل خودشان را توضیح دهند، حتی اگر شده در خفا؟ یا فرانسه خشم خودش را بر برابر این جنایات نشان خواهد داد؟ آیا باید اعلام کرد که فرانسه سرزمین حقوق بشر، هنوز همچنان از برقراری رابطه با یک دولت مانع پرسی خودداری می‌ورزد؟! دقیقاً برعکس، دولت فرانسه بی تفاوت به اکتشافات قاضی پروگیر به سیاست عسادی سازی خودش با ایران ادامه می‌دهد و حتی پرروشی رابطه حذی می‌رساند که به خودش اجازه می‌دهد که مشکل مالی که باعث اختلاف بین پاریس و تهران بوده را حل کند (چیزی که برای ما ۲ میلیارد فرانک خرج خواهد برداشت) رولان دوما چند روز پیش تاکید کرد که دیدار رسمی فرانسوا میتران از تهران هنوز اساس آن پایسر جاست اگر دقیقاً بر اساس پرنسپ باشی تغییر واقعی ست! اینطور نیست؟ چرا می‌بایستی که رئیس جمهور فرانسه اولین دولت اروپایی باشد که می‌بایستی بر سر قبری خمینی ادای احترام کند؟ چرا می‌بایستی میتران بطور غیر منتظره برای دادن گواهی نامی شرافتمندی به دولتی که هنوز از ترور بزم دست نکشیده است بپرد؟ من به کسانی که در برابر این دیپلماسی نادرست و بدون نجابت بی تفاوت می‌مانند یادآوری می‌کنم که خوش خدمتی در برابر خیانت هرگز پاداشی ندارد، بیاد بیاوریم سال پیش میتران در برابر فشار تهران کوتاه آمد و انیس نقاش و باند او را عفو کرد، کسانی که در سال ۱۹۸۰ سعی کرده بودند بختیار را به قتل برسانند، نتیجه: یک سال بعد از این آزادی، رهبران ایران از مایخاطر "نرک کردنمان" با فرستادن یک کومانندوی جدید که موفق می‌شود شرباهش را بزند، تشکر می‌کنند! و حلقه بسته می‌شود، زمانی که بیلان دودوره ریاست جمهوری میتران را مرور می‌کنیم، تمامی این خم‌شدنها، تمامی این بخطر انداختن‌ها، تمامی این خشود کردن‌های غیر ضروری رهبرانی از بدترین نژاد مجری جز پامال کردن ارزش هانیست.

کنفرانس بین‌المللی صلح برای خاور میانه

از صفحه ۴

خودرکنگره امریکای سر بحران خاور میانه بر مساله "صلح در مقابل زمین" و اجرای قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۲۸۸ شورای امنیت سازمان ملل تاکید کرده بود، مسلمانین موضع بوش مورد مخالفت جناحهایی از صهیونیست‌ها که خود را با حزب لیکود هماهنگ می‌کنند، می‌باشد. اما از طرف دیگر این موضع مورد حمایت اعراب و آن بخش از اسرائیلی‌ها که از حزب کارگر اسرائیل حمایت می‌کنند می‌باشد، فلسطینی‌ها هم بر اساس این معادلات و برای اینکه شانس خود را در راه حل مسالمت آمیز آزمایش کنند، به این کنفرانس و مذاکرات دوجانبه بعدی آن دل بسته‌اند. حیدر عبدالشریف، پیشکش ۷۱ ساله ساکن غزه که ریاست هیئت فلسطینی‌ها را بر عهده داشت طی یک سخنرانی مهم در کنفرانس بر این امر تاکید نمود که باید دولت مستقل فلسطین در سرزمین‌های اشغالی اردن و نوار غزه تشکیل شود (و اسرائیل باید زمین‌های که در جنگ ۱۹۶۷ اشغال نموده‌اند، تخلیه نمایند). حیدر عبدالشریف گفت بعنوان اولین گام باید اسکان یهودی‌ها در این سرزمین‌ها پایان یابد و فلسطینی‌های اواره اسکان یابند که به سرزمین خود بازگردند. در همین رابطه او به ساف و حق مردم فلسطین در حمایت از ساف اشاره نموده و گفت مارا سافا تحت فشار قرار می‌داند که وابستگی خود به ساف را انکار کنیم، این سخنان حیدر عبدالشریف که انعکاس وسیعی در سرزمین‌های اشغالی داشت، تبلیغات نیروهای مخالف شاعران در این زمینه که هیئت فلسطینی می‌خواهد خود را تسلیم نماید، خنثی نمود. علاوه بر این محاسبه‌ها و اظهار نظرهای فیصل حسینیی و خانم عنان الشراوی که از طرف فلسطینی‌ها قابل برگزاری کنفرانس با بهیتر ملاقات کرده بودند، تاثیر قابل توجهی بر افکار عمومی جهان و مردم کشورهای عربی و فلسطینی‌ها بر جای گذاشت. کنفرانس پس از سه

روز کار رسمی، وارد مرحله دوم خود که مذاکرات دو جانبه بین هیئت اسرائیلی و هیئت‌های دیگر کشورهای عربی و منجمله فلسطینی‌ها بود، شد. در پایان کنفرانس تصمیم گرفته شد که مذاکرات دوجانبه پس از مدتی در محل دیگری که روی آن توافق خواهد شد ادامه یابد و بنظر می‌رسید که این محل واشنگتن باشد. یاسر عرفات روز ۱۲ آبان در تونس در یک کنفرانس بین‌المللی که برای دفاع از حقوق خلق فلسطین تشکیل شده بود و در آن مدتها شخصیت عرب و منهای غرب و نیز تعدادی از سازمان‌های بشردوستان حضور داشتند و در آن رمزی کلارک وزیر سابق دادگستری امریکا و از چهره‌های ضد جنگ در امریکا نیز شرکت داشت، گفت "جنبش انتفاضه تازمانی که پرچم دولت مستقل فلسطین بر فراز بیت المقدس به اهتزاز آید، ادامه خواهد داشت" (را دیو فرانسه ۱۲ آبان)

بدون تردید تا وقتی حق فلسطینی‌ها در تعیین سرنوشت و ایجاد دولت مستقل خود به رسمیت شناخته نشود و فلسطینی‌ها موفق به تشکیل این دولت نگردند، بحران در خاور میانه ادامه خواهد داشت. مسلمانین حقیقت نمی‌توانند مانع از این شوند که در توازن قوا ی کنونی، فلسطینی‌ها برای رسیدن به حقوق خود، بپروسه‌های چند مرحله‌ای را تحت توجه قرار ندهند. آنچه مسلم است تلاش‌های منبوحانه رژیم آخوندی جمهوری اسلامی علیه سازمان آزادیبخش فلسطین و اشک تصاح ریختن سران جمهوری اسلامی که تاکنون سیاست‌های آنان عملاً با اسرائیل همخوانی داشته، نمی‌تواند منافع مردم فلسطین را مد نظر قرار دهد. آخوندهای ارتجاعی مثل خامنه‌ای، رفسنجانی، کرویسی، محتشمی و... به چیزی که اساساً فکرمی‌کنند، منافع مردم فلسطین است، برای آنان تنها حفظ حکومت آخوندی و سوء استفاده از گرایشات افراطی در درون جنبش فلسطین برای تثبیت موقعیت خود و ادامه حکومت ننگینشان مطرح است.

مذاکرات صلح در افغانستان

در بیانیه ۱۹ ماده‌ای خود کمونیست‌های افغانی را مورد حمله قرار داد و خواستار انحلال سازمان اطلاعات و امنیت کشور و کنار گذاشتن ارتش از جریانهای سیاسی شد. میورس پانکین وزیر خارجه شوروی که برای برقراری صلح در افغانستان تلاش می‌کند، در دیدار با رهبران مجاهدین افغانی به سرپرستی صنعت الله مجیدی در نیویورک طرحی را حاوی ۲ راه حل ارائه داد. یکی از طرح‌ها اینست که رهبران مجاهدین یک حکومت انتقالی تشکیل دهند که رهبری آن با مجاهدین باشد ولی در عین حال تخت وزیر فعلی افغانستان فضل الحق خالقیار در دست خود باقی بماند. پیشهاد دوم ظاهر شاه را برای رهبری یک حکومت انتقالی کاندید کرده است. در این طرح نجیب الله هیچگونه نقشی بعهده ندارد. در این حال نجیب الله رئیس جمهور افغانستان پاکستان را به حمله به افغانستان و دادن سلاح به مجاهدین افغانی متهم نمود و در این رابطه به سازمان ملل و بوش و گورباچف پیام‌های جداگانه ارسال داشت.

بدنبال توافق امریکا و شوروی مبنی بر قطع ارسال اسلحه برای طرف‌های درگیر در جنگ، دولت پاکستان نیز آمادگی خود را برای اجرای کلیه مفاد طرح صلح ۵ ماده‌ای دبیرکل سازمان ملل اعلام نمود. باتلاش و کوشش دولت‌های شوروی و امریکا مساله جنگ داخلی در افغانستان می‌رود که به راه حل نهایی و برقراری صلح منجر شود. دولت افغانستان با اسرار در به عهده گرفتن نقشی توسط ظاهر شاه در حل مساله صلح، در یک اقدام تابعیت ظاهر شاه را به وی بازگردانید و از وی دعوت کرد که نقشی عمده را در این موضوع به عهده بگیرد. فضل الحق خالقیار نخست‌وزیر افغانستان خواست دولت خود را در این زمینه در مجمع عمومی سازمان ملل اعلام کرد. ظاهر شاه ضمن رد هرگونه همکاری در حل احتمالی بحران افغانستان اعلام کرد روسای فعلی و پیشین افغانستان هرگز از نظری قانونی نبوده‌اند. در این حال گروهی از سیاست‌مداران افغانی جریانی تحت عنوان "جنبش وحدت، آزادی و دمکراسی در افغانستان" بوجود آوردند که احتمالاً ظاهر شاه در اس آن خواهد بود. این جنبش

اخبار و رویدادها...

اخبار خارجی

از صفحه ۲

قرارداد امنیتی بین آمریکا و کویت

یک قرارداد امنیتی دهساله بین آمریکا و کویت به امضا رسید. در این قرارداد، ذخیره شدن تجهیزات نظامی آمریکا در این کشور، استفاده از بنادر کویت توسط نیروی دریایی آمریکا، برگزاری مانورهای نظامی مشترک و آموزش سربازان کویتی توسط نظامیان آمریکایی قید شده است. به گفته امیر کویت نیروهای نظامی آمریکا حداقل به مدت ۱۰ سال در کویت مستقر خواهند شد. پایگاه اصلی نظامیان آمریکا جزیره بوبیان خواهد بود.

استعفای نخست وزیر رومانی

نخست وزیر رومانی پتررومن تحت فشار کارگران معادن که دست به اعتراض خونینی زده بودند ناچار به استعفا شد. شورای عالی دفاع رومانی طی یک اجلاس فوق العاده با تصمیم دولت موافقت کرد.

توافقنامه السالوادور

بدنبال ۱۰ روز مذاکرات بی وقفه بین دولت استرالیا و مخالفین چپ گرا و مسلح السالوادور که با میانجیگری دبیرکل سازمان ملل صورت گرفت طرفین توافقنامه‌ای را مبنی بر کاهش پرسنل ارتش، اخراج افسرانی که دست به جنایت زده‌اند و تشکیل یک نیروی پلیس با شرکت طرفین درگیر امضا نمودند.

چهل و ششمین اجلاس سازمان ملل

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در چهل و ششمین اجلاس خود در نیویورک که در روز ۲۶ شهریور امسال گشایش یافت، سمیر شهابی سفیر عربستان را به عنوان رئیس جدید خود برگزید. در این مجمع عضویت جمهوری - های بالتیک، کره شمالی و جنوبی، جزایر مارشال و جزایر میکرونسیا مورد بررسی قرار گرفت و این کشورها به صورت ۷ عضو جدید مجمع ملل متحد پذیرفته شدند.

انتصاب روسای سازمانهای امنیت داخلی شوروی

یوگنی پریماکس مشاور ارشد مسائل خارجی اتحاد شوروی از طرف گورباچف به ریاست سازمان امنیت مرکزی شوروی منصوب شد. گورباچف روسای سه سازمان امنیتی جدید را که در پی انحلال سازمان امنیت داخلی ک. گ. ب. بوجود آمده‌اند، تعیین کرد. تعیین روسای این سه سازمان با تصمیم شورای دولتی شوروی متشکل از گورباچف و روسای ۱۰ جمهوری شوروی بوده است.

بحران در تاجیکستان شوروی

بدنبال تلاشهای قدرالدین عیسی ایف کفیل ریاست جمهوری تاجیکستان شوروی بمنظور برجستن حزب کمونیست این جمهوری پارلمان این جمهوری که اکثریت آنرا کمونیست هاست تشکیل می‌دهند اورا اداره استعفا کرده و رحمان نسی پف رهبر پیشین حزب کمونیست تاجیکستان راه جانشینی وی برگزید. در شهر دوشنبه پارتی تاجیکستان تظاهراتی در حمایت و هم

چنین مخالفت با این اقدام از طرف جناحهای متخاصم برگزار گردید. پارلمان این جمهوری در روز دوشنبه اول مهرماه حالت فوق العاده اعلام کرد. بدنبال تظاهرات وسیع مخالفان سرانجام رحمان نسی پف نیز مجبور به استعفا شد. وی در بیانیه‌ای که در شهر دوشنبه صادر کرد خواستار فرصت برای کناره گیری خویش شد. همچنین اعلام کرد که در انتخابات قریب الوقوع ریاست جمهوری تمامی کاندیداها باید با امکانات برابر شرکت کنند. آناتولی سوبچک شهردار سن پترزبورگ که به تقاضای گورباچف برای میانجی گری به تاجیکستان سفر کرده بود بدون گرفتن نتیجه به مسکو بازگشت.

امضای قرارداد همکاری اقتصادی شوروی

روز جمعه ۲۶ مهرماه قرارداد همکاری اقتصادی جمهوری های استقلال یافته شوروی در مسکو به امضا، سران جمهوری های ارمنستان، بیلوروسی، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان و همچنین میخائیل گورباچف رئیس جمهور شوروی رسید. هدف عمده این قرارداد تشکیل بازار مشترک و انجام مسائل توافق یافته اقتصادی به عنوان شرط مسلم بیرون رفت کشور از بحران است. به گزارش رادیو مسکو - اتحادیه اقتصادی مزبور همچنین در مورد حذف قوانین اقتصادی سابق و اجرای سیاست توافق شده در رشته ترابری، انرژی، اطلاعات، سیستم پولی و بانکی، دارائی، مالیات، نرخها، بازار سرمایه، اوراق بهادار، بازار نیروی کار، موانع و تعرفه های گمرکی، فعالیت های اقتصادی و شباهت ارزی به توافق رسیدند.

قرارداد ملخ کامبوج

حزب حاکم کامبوج رسماً با کنار گذاشتن تمام کمونیستی ضمن برکناری رئیس جمهور این کشور یکبارگی دمکراسی چند حزبی را در این کشور ایجاد کرد. در پی نشست فوق العاده کنگره حزب تغییرات مزبور مورد تصویب ۲۰ نفر از نمایندگان کنگره رسید. هونسن نخست وزیر کامبوج و طراح اصلی این تغییرات از حزب کمونیست خواست که از نامزدی سپهانوک پادشاه سابق برای سمت ریاست جمهوری پشتیبانی کند. به گزارش خبرگزاری هافتراداد ملخ کامبوج در روز ۲۴ اکتبر در پاریس بین گروه های در حال جنگ امضا شد. طبق این قرارداد گروه های متخاصم خلع سلاح می شوند. کامبوج تا انجام انتخابات آزاد از طرف سازمان ملل متحد اداره می شود. این قرارداد با حضور آمریکا، شوروی و ۱۷ کشور دیگر به امضا رسید.

انتخابات پارلمانی لهستان

انتخابات پارلمانی لهستان با حضور ۴۰٪ واجدین شرایط برگزار گردید. در این انتخابات ۱۹ حزب سیاسی شرکت کرده بودند. اتحادیه چپ دمکراتیک (حزب کمونیست سابق) لهستان ۱۳/۱٪ از مجموع آرا را از آن خود کرد که با آرا اتحادیه دمکراتیک به رهبری مازویسکی نخست وزیر سابق لهستان که ۱۳/۳٪ می باشد تقریباً برابر است. یک حزب مذهبی که از حمایت کلیسای کاتولیک برخوردار است در این انتخابات ۹/۴٪ آرا را بدست آورد و در مقام سوم قرار گرفت. حزب کنگفدراسیون لهستان مستقل نیز ۹/۱٪ آرا را به خود اختصاص داد.

مبارزه برای آزادی

خبرگزاری ها اعلام کردند که سلمان رشدی روز ۱۹ آبان امسال هزارمین روز زندگی مخفی خود را پشت سر گذاشت. دوستان سلمان رشدی که کمیته ای برای دفاع از او تشکیل داده بودند، میخواستند در هزارمین شب زندگی زیرزمینی سلمان رشدی مراسمی در لندن برگزار کنند که دولت انگلیس با نامه های سخیف مانع برگزاری این مراسم شد. آقای میجر اما خود را مدافع "حقوق بشر" می داند و حضرات برای گرسنگان و آوارگان این یا آن نقطه در جهان سوم چند کامیون آذوقه بفرستد تا "دفاع" از "حقوق بشر" خود را ثابت کند. سلمان رشدی بوسیله خمینی تکفیر شد و بر اساس احکام مذهب اسلام فتوای قتل او اعلام شد. گناه سلمان رشدی نوشتن یک داستان تخیلی است که در آن به مقدسات حضرت "امام خمینی" و "اسلمانان" توهین شده است. اما اگر میداد تاریخ را روز صدور فتوای قتل سلمان رشدی بگیریم و تاریخ را فقط در همین هزار روز بررسی کنیم، خواهیم دید که چه جنایات های بزرگی بنام "اسلام"، "مذهب" و "آزادی" صورت گرفته است. در ایران که اکنون صدور "فتوا" هاست، بسیاری از زنان و مردان آزاده ایرانی جان خود را در راه دفاع از آزادی از دست دادند. حکام مرتجع میهن ما بنام "اسلام" و برای دفاع از "مقدسات" و "شریعت" هر جنایتی که منافع "حفظ نظام" ایجاد کند مرتکب می شوند. اما مساله به همین جا خاتمه نمی یابد. در پاکستان مسلمانان "وهابی" یا مسلمانان "شیعه" بجان هم می افتند و تعدادی از طرفین کشته می شوند. جنگ بین قهد و رفسنجانی برای کسب هژمونی در جهان "اسلام" هر جنایتی را توجیه می کند و مانع از این نمی شود که شیخ قهد برای آشتی "قطعه ای از پبرده سیاه روی کعبه" را برای رفسنجانی هدیه دهد. خون و هابی ها و شیعه ها در پاکستان باید بر زمین ریخته شود تا "قطعه ای از پبرده سیامروی کعبه" بتواند معنی و مفهوم یابد. قهد و رفسنجانی می توانند روی بعضی مسائل از قبیل اینکه عراق به سازش برسند و بر روی بعضی مسائل با هم جنگ کنند. فرقه های مذهبی می تواند این جنگ را توجیه کند و قدرتهای بزرگ سرمایه داری می توانند با خیال راحت و البته برای "دفاع از آزادی" سلاح های خود را بفروشند. گفتیم اگر تاریخ را همین هزار روزی که از فتوای قتل سلمان رشدی می گذرد بگیریم، انبوهی از جنایات، ترور، اعدام، شکنجه قتل عام، بی خانمانی و... می توانیم ردیف کنیم و آنرا در مقابل قدرتهای بزرگی که مدافع "حقوق بشر" هستند قرار دهیم. آنان البته می توانند به این یا آن حرکت خود در این یا آن نقطه از جهان اشاره کنند. اما ما که شاهد ساخت و پاخت های آنان با آ خوندهای مرتجع هستیم و ما که می دانیم این ساخت و پاخت ها برای غارت ثروت میهن ما، یعنی برای استفاده از دلاهرای نفتی است که آ خوندها آنرا بر باد می دهند، مدعی دفاع از "حقوق بشر" آقایان میجر، میتران و بوش را خوب می فهمیم. آیا سلمان رشدی و روشنفکران غربی که از وی حمایت می کنند نیز به این امر آگاه هستند. اینرا ما بخوبی نمی دانیم، اما ما به این امر بخوبی آگاه هستیم که حق چیزی داننی نیست، آنرا باید گرفت، و آزادی انقدر ارزش دارد که باید برای آن مبارزه کرد. برای سلمان رشدی و امثال او نیز راهی به عقب وجود ندارد.

اخبار و رویدادها....

برخی از رویدادهای تاریخی

آذرمه

داخلی:

۱۲۵۹/۹/۲۹ - تولد حیدرخان عمواوغلی از رهبران حزب کمونیست ایران

۱۲۸۵/۹/۲۴ - کودتای محمد علی شاه

۱۳۰۰/۹/۱۱ - شهادت میرزا کوچک خان، رهبر جنبش انقلابی گیلان بدست عمال رژیم رضاشاه

۱۳۲۲/۹/۲۹ - حمله چاقوکشان حزب وطن به کارگران شهرشاهی و مجروح کردن تعداد زیادی از کارگران

۱۳۲۴/۹/۲۶ - خلع سلاح شهریان میسباد و اعلام تشکیل سپاه ملی برای جمهوری خودمختار کردستان ایران (روز پیشمرگه کردستان)

۱۳۲۵/۹/۲۱ - یورش وحشیانه رژیم محمد رضاشاه به آذربایجان و شکست حکومت یکساله خودمختار آذربایجان ایران

۱۳۲۲/۹/۱۶ - به شهادت رسیدن سه دانشجوی قهرمان دانشگاه تهران، رضوی، قندیچی و بزرگه نیا (روز دانشجو)

۱۳۵۲/۹/۲۹ - لشکرکشی شاه به ظفار و ایفای نقش زاندارم امیرالایم در منطقه توسط رژیم شاه

۱۳۵۷/۹/۲۰ - تعرض انقلابی تنی چند از پرسنل ارتش به سران مزدور ارتش شاه در یادگان لویزان، در ایمن عملیات قهرمانانه گروهان دوم اسماعیل سلامت بخش و سرباز وظیفه ناصرالدین امیدی عابد با افتخار به شهادت رسیدند.

۱۳۵۷/۹/۲۰ و ۱۳۵۷/۹/۲۰ - اعدام هیئتی شگوهند مردم ایران در روزهای تاسوعا و عاشورا

۱۳۵۷/۹/۲۹ - تحمن استادان دانشگاه تهران

۱۳۶۰/۹/۲۸ - شهادت انقلابی برجسته رفیق شکرالله پاک نژاد

۱۳۶۱/۹/۹ - اعدام انقلابی یکی از سران رژیم خمینی، آخوند دستغیب بوسيله مجاهدین خلق ایران

۱۳۶۲/۹/۲ - اعتصاب موفقیت آمیز ۲۰ هزار نفر از کارگران و کارکنان کارخانه ذوب آهن

۱۳۶۴/۹/۱ - درگذشت نویسنده برجسته، دکتر غلامحسین ساعدی

در صفحه ۱۳

**NABARD E KHALGH
NO: 78**

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس های زیر مکاتبه کنید.

HOVE, YAT
P.O. BOX 2891
RESTON, VA 22090
U.S.A

امریکا

HOVIAT
POST RESTANTE
MIMERS GADE N 118
2200 -DANAAAA--

دانمارک

P.L.K
Nr. 039999 D
5000 KOLN
W.GERMANY

آلمان غربی

اخبار زیر از میان گزارشاتی که توسط رفقای سازمان در داخل کشور برای نشریه ارسال شده، انتخاب و در اینجا چاپ می شود.

تحسن رانندگان تاکسی در باهل

در تاریخ دوم مرداد ماه ساعت ۵ بعد از ظهر، رانندگان حدود ۱۵۰ دستگاه تاکسی در مقابل اتحادیه تاکسیرانی شهر باهل تجمع نموده و خواستار افزایش نرخ کرایه از ۲۰ ریال به ۳۰ ریال شدند. رانندگان تصمیم می گیرند که تا رسیدن به خواسته های خود از تجمع دست نکشند و در صورت دستگیری هر کدام از آنها توسط رژیم دیگران از او حمایت کنند. رژیم خونخوار حاکم بر ایران مستاصل از افزایش روز افزون حرکات اعتراضی در سراسر کشور با فرستادن مزدوران خود به گفتگو با متحمنین پرداخت و در نهایت با دادن قول مبنی بر پذیرش خواسته های آنها، تحمن در ساعت ۸/۵ شب تمام می شود.

اعتصاب کارگران کارخانه واگن پاریس

کارخانه واگن پاریس حدود ۲۳۰۰ نفر کارگر دارد که تحت پوشش سازمان گسترش و توسعه منابع کاری می کنند. کارگران واگن پاریس در اوائل مردادماه سال جاری ضمن بستن در کارخانه جهت رسیدن به خواسته های خود دست به تحمن می زنند. خواسته های کارگران به شرح زیر می باشد:

الف: کارگران خواستار حق بهره وری سود از سوی مسئولین رژیم شدند.

ب: تشکیل شورای کارگری، تعویض هیئت مدیره، رسیدگی به مشکلات خانه های سازمانی و فعال نبودن تعاونی های مسکن و مصرف.

ج: کارگران خواستار حضور مدیر عامل جهت حل مشکلات خویش در محیط کارخانه شدند.

اعتصاب کارکنان منابع الکتریک البرز

این کارخانه حدود ۶۰۰ نفر کارگر دارد و تحت پوشش سازمان منابع ملی می باشد. در اوایل خردادماه جاری، حدود ۲۰۰ نفر از کارکنان منابع الکتریک البرز در اعتراض به مبلغ سود بهره وری و اینکه چرا این سود یکجایسا پرداخت نگردیده و همینطور عدم تحویل سهمیه کلیدید و بهر دست به اعتصاب زدند.

اعتصاب کارکنان شرکت واحد

در تاریخ ۶ مرداد اسال حدود ۳۰ نفر از کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی در مقابل ساختمان وزارت کار و امور اجتماعی تجمع نموده و خواستار دریافت حقوق و پاداش موقوفه خود گردیدند. بر طبق پیمان دسته جمعی که در سال ۱۳۵۹ بین کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی و مدیران شرکت به امضا رسیده عیدی و پاداش طبق ضابطه هایی که روی آن توافق شده باید به کارکنان پرداخت می گردید اما شرکت واحد بر اساس سیاست های

در صفحه ۳



برای فتح قله های
پر صلابت عشق؛
عشق به آزادی؛
عشق به مردم؛
عشق به برابری؛
یامرگ یابیزوی

شهادای فدایی
آذر ملساه

رفقای فدایی:

همایون پریزاده - قزلی حسنی - رحمت طالب نژاد - اسدالله بشردوست - پرویز تمیر مسلم - ابوالقاسم نیکیچه همدانی - علیرضا بهاری پور - علی عبدالعلی - زکریا - محمدرضا شهناز - غلامرضا کاروردیان چایچی - حمید رضاسعداتی - مختار قلعه ویسی - احمد اقدسی - بهروز بهروزنیا - حسین تدویسی - فرهود پروا شای محسن مدیرشانه چی - فریدون شافعی - زهرا آقائینی قلبکی - علیرضا شهاب رضوی - در مبارزه قهرمانانه علیه رژیم - های شاه و خمینی و نیز در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای دمکراسی و سوسیالیسم طی سالهای ۵۰ تاکنون بشهادت رسیدند.

آدرس پستی نشریه نبرد خلق در فرانسه تغییر کرده است از خوانندگان نبرد خلق و کسانی که با نشریه مکاتبه دارند خواهش می کنیم با آدرس جدید با ما ارتباط برقرار کنند.

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس زیر مکاتبه کنید
**NABARD
B.P 20
91350 GRIGNY CEDEX
FRANCE**

با کمک های مالی خود سازمان را در انجام وظایف انقلابی یاری رسانید
هم میهنان مبارز سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است.
کمک های مالی خود را بهر میزان که باشد، یا مستقیما بدست ما برسانید یا به حساب بانکی سازمان مندرج در همین صفحه نشریه واریز کرده و قبض رسید و یا فتوکپی آنرا به آدرس صندوق پستی سازمان در فرانسه ارسال دارید.

حساب بانکی
SOCIÉTÉ GÉNÉRALE نام بانک
BOULOGNE - 5 - SEINE آدرس بانک
03760 کد گیشه
00050097851 شماره حساب
MME; R. - T - TALAT نام صاحب حساب